



The Evolution of the Feminine Nature of the Kitchen Space During the Transition to Modernity in the Traditional Houses of Khorramabad

Mozhgan Hadipour Moradi

Department of Architecture, Institute of Society and Media, ISF. C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
Tourism, Architecture and Urban Research Center, ISF.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Masoud Nari Ghomi*

Department of Architecture and Urban Planning, Technical and Vocational University (TVU), Tehran, Iran.

Sanaz Rahravi Poodeh

Department of Architecture, Institute of Society and Media, ISF. C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
Tourism, Architecture and Urban Research Center, ISF.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Maryam Ghasemi Sichani

Department of Architecture, Institute of Society and Media, ISF. C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
Tourism, Architecture and Urban Research Center, ISF.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Received: 2025/02/03

Accepted: 2025/07/13

Abstract

With the social changes resulting from the “period of transition” and “modernization” in Iran, the “kitchen” was also affected by these changes. The kitchen has always been referred to as a feminine space. In some contemporary cultural analyses in Iran, citing feminist theories, the kitchen and its location at the end of the yard or basement were interpreted as patriarchy and traditional female servitude, which Reza Shahi’s modernization has been considered a beginning for its liberation in the modern era. Lifestyle-based readings in social science research, and especially historical ethnography, have provided an opportunity to review these assumptions arising from the literature of the early modern period. Therefore, the present study, using the method of historical ethnography and relying on documentary sources and data analysis in a descriptive-analytical manner, addresses the transformation of the feminine nature of the kitchen space during the period of transition to modernity in one of the micro-cultural contexts of Iran, namely the traditional houses of Khorramabad. The results show that the social interpretation of the kitchen in the historical houses of Khorramabad cannot be interpreted as the low status of women in the society of that time. The existence of various cooking spaces, including open kitchens, semi-open kitchens, Tejgahs in rooms, and a special place for baking bread in the courtyard, created special boundaries and territories for women. These various spaces were also family-social spaces. At the same time, due to the communal nature between the women of the house and some neighboring women, they changed from a private space to a semi-private space. The authoritarian modernization and the achievements of modernity resulting from Reza Shah’s policies, despite some development, health, and educational measures, led to the deprivation of the right to choose, the impairment of family and social security, and, as a result, many women of the Lor tribe were confined to their homes and distanced from the social space. Houses built during this period, particularly in new neighborhoods, were more introverted than Qajar-era houses. This shift led to several changes, including reduced cooking spaces consolidated into a single kitchen area, decreased women’s access to various house spaces, changes in women’s privacy and territories, loss of semi-private and collective areas, and reduced social interactions among neighboring women, all of which resulted from rising social insecurities, the influx of new cultures, and the unveiling policy, ultimately shaping the impact of modernity in the region.

Keywords:

Feminine nature of the kitchen space,
Transition to modernity,
Traditional houses of Khorramabad

© 2025 by the authors. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license .

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>.



Citation: Hadipour Moradi M, Nari Ghomi M, Rahravi Poodeh S, Ghasemi Sichani M. (2025). The Evolution of the Feminine Nature of the Kitchen Space During the Transition to Modernity in the Traditional Houses of Khorramabad. *Journal of Researches in Islamic Architecture*, 13 (3): 76-99.

[10.61186/jria.13.3.5](https://doi.org/10.61186/jria.13.3.5)

* **Corresponding Author:** msnarighomi@ut.ac.ir



تحول ماهیت زنانه فضای مطبخ در دوران گذار مدرنیته در خانه‌های سنتی خرم‌آباد

مژگان هادی پور مرادی

دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده جامعه و رسانه، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. مرکز تحقیقات گردشگری، معماری و شهرسازی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

مسعود ناری قمی**

استادیار، گروه آموزشی معماری و شهرسازی، دانشگاه ملی مهارت، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسئول).

ساناز رهروی پوده

استادیار، گروه معماری، دانشکده جامعه و رسانه، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. مرکز تحقیقات گردشگری، معماری و شهرسازی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

مریم قاسمی سیچانی

دانشیار، گروه معماری، دانشکده جامعه و رسانه، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. مرکز تحقیقات گردشگری، معماری و شهرسازی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲

چکیده

با دگرگونی‌های اجتماعی ناشی از «دوران گذار» و «مدرنیزاسیون» در ایران «مطبخ» نیز تحت تأثیر این دگرگونی‌ها قرار گرفت. از مطبخ همواره به‌عنوان فضایی زنانه یاد شده است. در برخی تحلیل‌های معاصر فرهنگی در ایران با استناد به نظریه‌های فمینیستی از آشپزخانه و مطبخ و واقع‌شدن آن در انتهای حیات یا زیرزمین به مردسالاری و خدمتکار بودن زن سنتی تعبیر می‌شد که مدرنیزاسیون رضاشاهی آغازی برای آزادسازی آن در عصر جدید تلقی شده است. خوانش‌های مبتنی بر شیوه زندگی در تحقیقات علوم اجتماعی و به‌ویژه مردم‌نگاری تاریخی، فرصتی برای بازنگری در این پیش‌فرض‌های برخاسته از ادبیات ابتدای دوره مدرن فراهم آورده است. لذا پژوهش حاضر با استفاده از روش مردم‌نگاری تاریخی و با تکیه بر منابع اسنادی و تحلیل داده‌ها به روش توصیفی-تحلیلی به تحول ماهیت زنانه فضای مطبخ در دوران گذار مدرنیته در یکی از بسترهای خرده‌فرهنگی ایران یعنی خانه‌های سنتی خرم‌آباد می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد تعبیر اجتماعی از مطبخ در خانه‌های تاریخی خرم‌آباد نمی‌تواند به‌منزله پایین بودن شأن زنان در جامعه آن روزگار باشد. وجود فضاهای متنوع پخت‌و‌پز شامل مطبخ باز، مطبخ نیمه‌باز، تژگاه در اتاق‌ها و محل مخصوص پخت نان در حیاط حریم‌ها و قلمروهای خاص برای زنان به وجود می‌آورد. این فضاهای متنوع، فضاهایی خانوادگی-اجتماعی نیز بودند؛ درعین‌حال با توجه به اشتراکی بودن میان زنان خانه و برخی زنان همسایه به‌نوعی از فضای خصوصی به فضایی نیمه‌خصوصی تغییر می‌کردند. تجدد آمرانه و رهاوردهای مدرنیته حاصل از سیاست‌های رضاشاه با وجود برخی اقدامات عمرانی، بهداشتی و آموزشی، موجب سلب حق انتخاب، خدشه‌دار شدن امنیت خانوادگی و اجتماعی و در نتیجه محبوس شدن بسیاری از زنان قوم لر در خانه و دور شدن آنان از فضای اجتماعی گردید. خانه‌های ساخته‌شده در این دوره بخصوص در محله‌های نوساز، درون‌گراتر از خانه‌های قاجار، کاهش فضاهای متنوع پخت‌و‌پز و تجمیع آن‌ها در فضای مطبخ، کاهش گستره مورد استفاده زنان از فضاهای خانه، تغییر حریم‌ها و قلمروهای زنانه، کاهش قلمروهای نیمه‌خصوصی و جمعی و نیز کاهش تعاملات اجتماعی میان زنان همسایه منتج از افزایش ناامنی‌های اجتماعی نوظهور و حضور فرهنگ‌های جدید در شهر و سیاست کشف حجاب از دیگر نتایج مدرنیته و تجدد در این منطقه بود.

واژگان کلیدی: تحول ماهیت زنانه فضای مطبخ، دوران گذار مدرنیته، خانه‌های سنتی خرم‌آباد.

ارجاع به مقاله: هادی پور مرادی مژگان، ناری قمی مسعود، رهروی پوده ساناز، قاسمی سیچانی مریم، (۱۴۰۴). تحول ماهیت زنانه فضای مطبخ در دوران گذار مدرنیته

در خانه‌های سنتی خرم‌آباد، پژوهش‌های معماری اسلامی، ۱۳(۳): ۷۶-۹۹.

doi: 10.61186/jria.13.3.5

*این مقاله برگرفته از رساله دکتری مژگان هادی پور مرادی تحت عنوان «تحولات الگوهای فضایی خانه‌های شهر خرم‌آباد بر اساس نقش زنان در دوره گذار مدرنیته در ایران (مردم‌نگاری تاریخی خانه‌ها از انقلاب مشروطه تا اواخر پهلوی اول ۱۲۸۴-۱۳۲۰ خورشیدی)» است که به استاد راهنمای دکتر مسعود ناری قمی و دکتر ساناز رهروی پوده و مشاوره دکتر مریم قاسمی سیچانی در گروه معماری دانشکده جامعه و رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان، واحد خوراسگان در حال انجام است.

** نویسنده مسئول: msnarighomi@ut.ac.ir

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر، تحلیل جامعه‌شناسی خانه بیش از هر طیفی، از سوی فمینیست‌ها و نیز تحلیلگران نو مارکسیست و همگرایان آن‌ها پیگیری شده است. (ناری قمی و دیگران ۱۳۹۵، ۵۷) در دگرگونی مفاهیم خانه و سکونت در جریان مدرنیسم، آشپزخانه بخشی از خانه بود که توجه خاصی به آن شد و تحقق بخش مهمی از آرمان‌های مدرن درگرو مدرنیاسیون آن دانسته شد. جامعه ایران در مراحل مختلفی «گذار» را تجربه کرده است. در این بین، فضای مطبخ از دگرگونی‌های اجتماعی و مدرنیاسیون متأثر گردید به طوری که «امروزه آشپزخانه باز را مطابق با نیازهای زندگی معاصر و نیز واکنشی به دخمه‌ای بودن و دور از دسترس بودن مطبخ و راه‌حلی اجتماعی و به تعبیری درون‌زا در ایران دانسته می‌شود» (عینی‌فر ۱۳۸۲؛ حائری ۱۳۸۸). در مقابل، انتقاداتی از سوی انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان بر تجربه مدرنیاسیون وارد شده است. یکی از این انتقادات نادیده گرفتن ملاحظات منطقه‌ای، فرهنگی، و جنسیتی است. «جوامع مختلف جایگاه جنسیتی و جنسیت را به صورت‌های متنوع و حتی متضاد تعریف می‌کنند» (Oakley 2005)؛ به طوری که این دیدگاه‌ها فضاهای زندگی و بخصوص مطبخ را دچار دگرگونی‌های متفاوت نموده است. به نظر می‌رسد دگرگونی‌های به وجود آمده پیرامون این فضای زنانه در سرتاسر ایران دارای بازتاب‌های یکسان نبوده و عوامل اجتماعی و دیدگاه‌های قومیتی این دگرگونی‌ها را تحت تأثیر قرار داده‌اند. تغییرات در ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی هر جامعه با استفاده از سازوکارهای پنهان اجتماعی، قرائت‌های خاصی از معماری را بازتولید می‌کند.

عدم توجه به ویژگی‌های بوم ایران و مناطق آن در خوانش‌های دوره روشنفکری از نسبت زنان و فضا در وضعیت سنتی و مدرن ایران، نیاز به مطالعات مردم‌نگارانه برای واقعیت‌سنجی این دست از نظریات را مطرح می‌سازد. از این رو در تحقیق حاضر با انتخاب یک بستر فرهنگی- بومی مشخص یعنی شهر خرم‌آباد، پژوهش مردم‌نگارانه در مورد ماهیت زنانه مطبخ بومی و اوایل مدرن، سامان داده شده است. نحوه خاص ورود اصلاحات اجباری رضاشاهی به این منطقه و وجود افراد ساکن در خانه‌های دوره گذار و دارای ذهنیت و خاطرات قابل‌تکا از آن دوران، خرم‌آباد را بستر مناسبی برای این پژوهش نشان می‌دهد. پس از تصرف لرستان توسط رضاشاه، باوجود برخی اقدامات عمرانی، بهداشتی و آموزشی توسط دولت، نوعی دیگر از استبداد بر منطقه حاکم شد که دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی را به دنبال داشت و زنان بیش از سایر اقشار جامعه در معرض این سیاست‌ها و تحولات قرار گرفتند؛ به طوری که همسایگی‌ها، خانه‌ها و

۲. پرسش‌های پژوهش

۱- تحول ماهیت زنانه فضای مطبخ در دوران گذار مدرنیته در خانه‌های سنتی خرم‌آباد تابع چه عواملی بوده است؟

۲- نظریه‌های فمینیستی پیرامون آشپزخانه و مطبخ در زمان و مکان موردپژوهش چه میزان مصداق داشته است؟

۳. روش پژوهش و انتخاب نمونه‌ها (خانه‌های تاریخی و اشخاص مورد مصاحبه)

روش پژوهش وابسته به هدف، ماهیت موضوع و امکانات اجرایی آن است لذا تلاش شده به روش مردم‌نگاری تاریخی و با تکیه بر منابع اسنادی و تحلیل داده‌ها به روش توصیفی- تحلیلی به سؤالات پژوهش پاسخ داده شود. مردم‌نگاری تاریخی، بازسازی هم‌زمان فرهنگ گذشته با استفاده از اسناد مکتوب معاصر و تاریخ‌های قومی دیرینه و تاریخ عامیانه؛ از تاریخ اقوام متمایز می‌شود. همچنین بهره‌برداری از وابستگی‌های متقابل با تبادل روش‌ها (نقد مستند و کار میدانی) و دیدگاه‌ها، گذشته مردم، خانواده و همچنین تاریخ سیاسی است. هادسون^۱ معتقد بود مردم‌نگاری تاریخی، توجه به تاریخ عامه و باورهای خود مردم در مورد گذشته خود





شد.
در نهایت ۱۰ خانم و ۹ آقا (جدول ۱) که دارای شرایط ذیل بودند جهت مصاحبه انتخاب شدند:
۱. متعلق به اقشار مختلف جامعه باشند.
۲. اجداد آنان مالکین خانه‌ها و سازندگان بناها باشند.
۳. تجربه زندگی در خانه‌های مدنظر را داشته یا در بازه زمانی موردنظر زندگی کرده‌اند.

است (8, 2010-Douglas and Di Rosa 12). با بررسی منابع تاریخی و اسناد جنبه‌هایی از موضوع مشخص شد. با توجه به اینکه «آنچه در ارتباط با فرم مصنوع مهم است، شکل فرهنگی پاسخ به نیازهاست» (راپاپورت ۱۳۹۸، ۹۳). لذا گردآوری بخش دیگر داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته با طرح مباحثی چون چگونگی، مکان، و زمان انجام فعالیت‌های خانوادگی و جمعی زنان، روابط همسایگی، آداب‌ورسوم، وضعیت اجتماعی و سیاسی جامعه و ارتباط مباحث با الگوهای فضای مطبخ و کالبد خانه‌ها میسر

جدول ۱. افراد شرکت‌کننده در مصاحبه

| کد | جنسیت | متولد | کد | جنسیت | متولد | کد | جنسیت | متولد | کد | جنسیت | متولد |
|----|-------|-------|----|-------|-------|-----|-------|-------|----|-------|-------|
| A1 | زن | ۱۳۲۵ | B1 | مرد | ۱۳۱۴ | A6 | زن | ۱۳۳۴ | B6 | مرد | ۱۳۳۹ |
| A2 | زن | ۱۳۱۲ | B2 | مرد | ۱۳۲۹ | A7 | زن | ۱۳۱۱ | B7 | مرد | ۱۳۲۱ |
| A3 | زن | ۱۳۸۹ | B3 | مرد | ۱۳۲۱ | A8 | زن | ۱۳۱۴ | B8 | مرد | ۱۳۱۰ |
| A4 | زن | ۱۳۲۱ | B4 | مرد | ۱۳۲۹ | A9 | زن | ۱۳۲۴ | B9 | مرد | ۱۳۱۴ |
| A5 | زن | ۱۳۲۰ | B5 | مرد | ۱۳۳۷ | A10 | زن | ۱۳۳۰ | | | |

پهلوی اول و ۵ خانه دارای ویژگی‌های معماری قاجار- پهلوی اول با بررسی منابع مکتوب و تصویری و پژوهش‌های میدانی تهیه و بخش‌های تخریب‌شده بازسازی و ترسیم شد (جدول ۲). اسناد وضعیت موجود ۶ خانه در آرشیو میراث فرهنگی خرم‌آباد موجود بود.

خرم‌آباد تا دوره قاجار محدود به پیرامون قلعه فلک‌الافلاک بود. در دوره حکومت رضاشاه پهلوی محله‌هایی به شهر افزوده شد. در راستای اینکه بتوان پژوهش را با ساختار نخستین خانه‌ها بررسی نمود، اسناد معماری ۵ خانه دارای ویژگی‌های معماری دوره قاجار و ۴ خانه دارای ویژگی‌های معماری دوره

جدول ۲. خانه‌های تاریخی مورد پژوهش

| خانه تاریخی | دوره تاریخی | خانه تاریخی | دوره تاریخی | خانه تاریخی | دوره تاریخی |
|-----------------------|-------------|--------------------------|------------------|---------------------|-------------|
| خانه قاضی آخوند ابو | قاجار | خانه آغا یهودی- بهرامی | قاجار- پهلوی اول | خانه مرادی | پهلوی اول |
| خانه شفیعی- آقایی | قاجار | خانه آیت‌اله جزایری | قاجار- پهلوی اول | خانه سپهوند | پهلوی اول |
| خانه عیسی‌زاده- جوادی | قاجار | خانه چاغروند- ابوالقاسمی | قاجار- پهلوی اول | خانه فتاح | پهلوی اول |
| خانه سید عبدالله کشفی | قاجار | خانه الماسیان | قاجار- پهلوی اول | خانه کریمی - معتمدی | پهلوی اول |
| خانه صارمی- رشیدی | قاجار | خانه گلشن | قاجار- پهلوی اول | | |

۴. پیشینه پژوهش

به‌منظور برقراری ارتباط منطقی میان اطلاعات پژوهش‌های پیشین با مسئله پژوهش و نیز کسب بینش نسبت به جنبه‌های مختلف موضوع، منابع نزدیک به مسئله پژوهش بررسی شده‌اند. با توجه به این مهم، پژوهش‌های مرتبط با عنوان پژوهش به دودسته تقسیم‌بندی شده‌اند. نخست پژوهش‌هایی که پیرامون مطبخ و آشپزخانه صورت گرفته است و در ادامه پژوهش‌هایی که پیرامون خانه‌های تاریخی خرم‌آباد با محوریت مطبخ و زنان لرستان صورت انجام شده‌اند.

۴-۱. پژوهش‌های پیرامون مطبخ و آشپزخانه

کامی شیرازی و دیگران (۱۳۹۷) در پژوهشی کیفی، تأثیر سبک زندگی در سازمان فضایی معماری مسکونی در ایران، آشپزخانه حدفاصل ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ را بررسی نمودند. در نتایج آمده، شاخص‌های مربوط به جنسیت در این دوره باعث تساوی زن و مرد به‌ویژه در طبقات متوسط و مرفه شده و به‌تبع آن فضاهای اندرونی و بیرونی به‌تدریج حذف شدند و آشپزخانه از گوشه حیاط و زیرزمین به داخل خانه منتقل شد و به‌عنوان عرصه مشترک در ارتباط با سایر فضاها قرار گرفت. رئیسی (۱۳۹۷) به معماری و شهرسازی مطابق



اقتدار بالاتری نسبت به وضعیت فعلی بوده‌اند که با افزایش تحصیلات مشارکت اقتصادی زنان نسبت به سابق در حال پیشرفت است. یوسفوند و دیگران (۱۳۹۷) در پژوهشی کیفی، فهم تجربه زنان از فرایند مدرنیزاسیون در جامعه محلی لرستان و جایگاه و شأن زنان را در فرازوفرودهای مدرنیزاسیون نشان می‌دهد. یافته‌ها حاکی از آن است که فرایند مدرنیزاسیون در جامعه محلی تابعی از الگوی نوسازی نامتعادل و الاکنگی است و می‌توان مهم‌ترین پیامد آن را، نامتوازی نتایج، شکست و یا بدفرجامی پروژه مدرنیزاسیون در جامعه محلی دانست.

۵. مبانی نظری پژوهش

آشپزخانه زنانه رایج‌ترین تعبیر از فضای آشپزخانه است (Freeman 2004) که نه‌تنها در دوران پیش از صنعتی بلکه تا امروز نیز وجود دارد و حتی برخی رویکردهای فمینیستی نیز آن را به‌عنوان یک واقعیت غیرقابل‌انکار پذیرفته‌اند و از مواضع انتقادآمیز به مواضع مدافعه‌ای روی آورده‌اند (Darke 1994). فضای خانه در کنار جزئیات شیوه زندگی و امور روزمره می‌تواند روابط و ایدئولوژی‌های مسلط را تثبیت یا دگرگون کند و یا ایدئولوژی‌های جدیدی را خلق نماید. جایگاه آشپزخانه در نظریات فمینیستی معاصر بدون در نظر گرفتن ملاحظات منطقه‌ای، فرهنگی، و جنسیتی مورد ارزیابی قرار گرفته است و از این فضا به‌عنوان معیار و شاخصی برای بیان فرودستی زنان یاد شده است. درحالی‌که به نظر می‌رسد میزان صحت این دیدگاه‌ها و نظریات در جوامع و فرهنگ‌های گوناگون نیازمند واکاوی است. لذا در ادامه با توجه به اهداف پژوهش که نخست صحت سنجی فرضیه‌های غیربومی در مورد نقش زنان در تحولات معماری خانه‌های سنتی خرم‌آباد است و در ادامه نقد و واکاوی نظریات فمینیستی پیرامون آشپزخانه و فضای مطبخ در بازه زمانی و مکانی موردپژوهش، لذا در ادامه به بیان شرحی از «دوران گذار مدرنیته»، «نظریات و تعاریف پیرامون جنسیت و فضای زنانه»، و «جایگاه آشپزخانه در جریان مدرنیسم و نظریات فمینیستی معاصر» پرداخته خواهد است.

۵-۱. دوران گذار مدرنیته

حضور جوامع انسانی در بسترهای زمانی و مکانی مختلف، وضعیت تغییر و گذار را برای آنان ضروری و مسیرشان را متفاوت می‌سازد (نبوی ۱۳۸۹، ۲۰۹). «گذار» تغییر از وضعیتی به وضعیت دیگر را شامل شده و موجب هست شدن موجودیت‌های نو و دگرگونی در بسیاری از هویت‌های موجود است. دوران گذار در حیات جوامع دوره‌ای تأثیرگذار محسوب

با سبک زندگی اسلامی از تشریح وضع مطلوب تا تحلیل وضع موجود و به موضوع آشپزخانه نیز پرداخته است. ناری قمی (۱۳۹۳) در پژوهشی کیفی به آشپزخانه مدرن و مفهوم اجتماعی فرهنگی آن در زندگی خانوادگی قشر مذهبی قم پرداخته است. طی این بررسی سه گستره معنایی برای توضیح مفاهیم فرهنگی اجتماعی آشپزخانه در زندگی زنان مسلمان ایرانی در نظر گرفته شده، از فضای شخصی با حریمیت ویژه زنان تا یک فضای زندگی خانوادگی، از یک فضای خدماتی تا فضایی سرشار از روح زندگی و از یک مکان مقدس تا یک مکان عادی که دارای تداعیات خاص خود در زندگی زنان مسلمان ایرانی است. آزاد ارمکی (۱۳۹۲) در پژوهشی کیفی به آپارتمان‌نشینی و آشپزخانه در ایران پرداخت. در نتایج آمده است دگرگونی در سبک معماری آشپزخانه ایرانی متأثر از فرآیندهای جهانی شدن است؛ اگرچه سبک این تا حدودی مقارن با از میان رفتن برخی ویژگی‌های سبک زندگی سنتی ایرانی چون میزان میهمانی‌ها، حریم و حجاب بوده است. مد بودن این آشپزخانه در نظر مصرف‌کننده آن را زیبا جلوه می‌دهد و امکان ارتباط بهتر با اعضای خانواده از عوامل ترغیب به این نوع آشپزخانه است. لیکن نباید از نیازها و نگرش‌های برخی زنان ایرانی که این سبک چالشی برای زندگی ایشان ایجاد می‌نماید غافل بود. رایس (۱۳۸۳) در کتاب زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان، به زن ایرانی و محیط پیرامون وی، شخصیت، قلمرو و قدرت، شیوه‌های انجام امور آنان در اواخر قاجار و اوایل پهلوی پرداخته و بارها به پخت‌وپز و مطبخ اشاره کرده است.

۴-۲. پژوهش‌های پیرامون خانه‌های تاریخی خرم‌آباد با محوریت مطبخ و زنان لرستان

محمدزاده و دیگران (۱۴۰۰) در پژوهشی کیفی و با روش توصیفی-تحلیلی، تأثیر خصوصیات فرهنگی بر چگونگی استقرار مطبخ در خانه‌های قاجاری خرم‌آباد و اردبیل را بررسی نموده‌اند. در یافته‌ها آمده است در شهر اردبیل مطبخ‌ها در زیرزمین ساخته می‌شده و از دید نامحرمان به دور بوده است و فقط افراد حاضر در مطبخ دید به محیط بیرون داشته‌اند؛ درحالی‌که در خرم‌آباد مطبخ در کنار حیاط قرار داشته و حریمیت و دور از دید بودن آن مانند مطبخ‌های اردبیل مطرح نبوده است. بابایی (۱۳۹۸) در پژوهشی کیفی با عنوان تغییر نقش اجتماعی و اقتصادی زنان در استان لرستان در دوران معاصر به بررسی ارمغان مدرنیته برای زنان لرستانی و تأثیر آن در شرایط اجتماعی و اقتصادی آنان پرداخته است. یافته‌ها حاکی از تغییر نقش‌های زنان در استان لرستان است. زنان در جامعه سنتی لرستان در ابعاد مختلف دارای منزلت و



منطقه‌ای، فرهنگی و جنسیتی است به طوری که بسیاری از صاحب‌نظران (اسلمسر ۱۹۵۹؛ لرنر ۱۹۵۸؛ پارسونز ۱۹۶۶؛ اینکلز ۱۹۷۶) بی‌آنکه ملاحظات فوق را در نظر بگیرند؛ رسیدن به یک جامعه مطلوب را در گرو تجربه مدرنیسم و تلقی می‌کنند. جوامع، نگرش‌ها و فعالیت‌های متفاوتی برای زنان و مردان تعیین می‌کنند. در واقع این انتساب‌ها را فرهنگ و اجتماع تعیین می‌کند (کوزو و روزنبرگ ۱۳۸۵، ۲۹۵). مفهوم «جنسیت» آن‌گونه که امروزه به کار می‌رود از اواسط دهه ۱۹۷۰ مورد استفاده قرار گرفت. ادعای اصلی آن بود که تأثیرات بدنی و روانی تفاوت‌های زیستی میان زنان و مردان همواره جهت حفظ نظام پدرسالاری و قدرت آن بوده است (Lindsey 2010). در خلال موج سوم جنبش فمینیستی در سال ۱۹۹۷، کتاب «جنسیت و فضا»، مشتمل بر ۱۲ مقاله پیرامون «جنسیت، فضا و معماری» به چاپ رسید که جنسیت «زنانه» را از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی هر جامعه مورد توجه قرار می‌دادند که اغلب با استفاده از سازوکارهای پنهان اجتماعی، قرائت‌های خاصی از معماری را بازتولید می‌کرد.

می‌گردد و شناخت آن به جوامع کمک می‌کند تا بهتر تغییرات را درک کرده و به سازمان‌دهی مجدد زیرساخت‌های خود بپردازند (ابراهیمی و اسلامی ۱۳۸۹، ۴-۵). جامعه ایران در مراحل مختلف «گذار» را تجربه کرده است. صاحب‌نظران اغلب معتقدند موج اول مدرنیته بر ایران دوره قاجاریه بوده و حکومت رضاشاه نخستین دولت مدرن در ایران بود؛ با آنکه برخی از ویژگی‌های آن ریشه در گذشته داشت، لکن نظام سیاسی جدیدی به شمار می‌رفت (بهنام ۱۳۸۳). برخی سال ۱۳۰۵ ش. را سرآغاز غلبه شبه مدرنیسم در ایران می‌دانند (کاتوزیان ۱۳۹۴).

۲-۵. نظریات و تعاریف پیرامون جنسیت و فضای

زنانه

بی‌تردید تجربه مدرنیسم دستاوردهای مهمی برای حوزه زنان در زمینه‌های بهداشت، سلامت و آموزش به همراه داشت ولی انتقاداتی از سوی انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان بر آن وارد شده؛ یکی از این انتقادات نادیده گرفته شدن ملاحظات

جدول ۳. نظریات و تعاریف پیرامون جنسیت و فضای زنانه (مأخذ: نگارندگان)

| نظریه پردازان | نظریه (نظریات) |
|--------------------------|---|
| بلومبرگ ^۲ | نابرابری اقتصادی-اجتماعی و تعصب جنسیتی را مانعی پنهان در راه برابری جنسیتی می‌داند. تمرکز تحقیقات وی بر نظریه‌های طبقه‌بندی جنسیتی و جنسیت و توسعه می‌باشند. |
| آن اوکلی ^۳ | نشان می‌دهد که زن و مرد دو گروه جدا نیستند و این که چگونه جوامع مختلف مردانگی و زنانگی را به طرق مختلف و حتی متضاد تعریف می‌کنند و این تفاوت‌ها تا چه حد بر اساس ویژگی‌های زیست‌شناسی، روانشناسی و فرهنگی هستند. |
| سندرا بم ^۴ | نظریه طرحواره‌های جنسیتی را مطرح می‌کند که زمینه اصلی را برای پردازش اطلاعات بر اساس جنسیت را مهیا می‌کند؛ یعنی طرحواره جنسیتی گرایش ما را نسبت به این که بسیاری از امور را به‌عنوان امور مرتبط با جنسیت ببینیم و آن‌ها را بر اساس جنسیت طبقه‌بندی کنیم، تداعی می‌کند. |
| روث لیستر ^۵ | وی معتقد است هیچ تعریفی از مرز خصوصی-عمومی نمی‌تواند ثابت و عام باشد بلکه برای انعکاس بخشیدن به تغییر و تحول اجتماعی مدام در حال تحول خواهند بود. بر این اساس، فمینیست‌ها تقسیم بین عمومی و خصوصی را به خاطر پیامدهای عملی و اخلاقی آن به باد انتقاد گرفته‌اند. |
| دافنی اسپین ^۶ | اسپین بیان می‌کند بین نابرابری اجتماعی و محیط‌های انسان‌ساخت رابطه معناداری وجود دارد. در خانه‌ها، مدارس و محل‌های کار، زنان و مردان اغلب از راه‌هایی جدا می‌شوند که طبقه‌بندی جنسیتی را با کاهش دسترسی زنان به دانش و ارزش اجتماعی حفظ می‌کنند، این تنظیمات فضایی ممکن است نامحسوس باشد. از مثال‌های بین فرهنگی و تاریخی استفاده می‌کند تا نشان دهد هر چه درجه تفکیک جنسیتی فضایی بارزتر باشد، وضعیت زن نسبت به مرد پایین‌تر است (Spain 2008, 31). |

۳-۵. جایگاه آشپزخانه در جریان مدرنیسم و نظریات فمینیستی معاصر

پیرامون آشپزخانه به‌عنوان فضایی مجزا از خانه، فضایی روباز یا سرپوشیده و متصل به خانه در جوامع بدوی و بومی اختلافاتی وجود دارد لیکن تقریباً در تمام جوامع پیش‌صنعتی (مرحله سوم در طبقه‌بندی چهارگانه راپاپورت) وجود فضایی مجزا به‌عنوان آشپزخانه، محرز است؛ اما مفهوم و جایگاه فرهنگی آن از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از دوره‌ای به

راپاپورت معتقد است که جایگاه زنان در خانه از منظر برتری یا فرودستی، به صورت‌های گوناگونی انعکاس می‌یابد (راپاپورت ۱۳۹۸، ۶۱). ماسی^۷ بیان می‌کند: «فضاها و مکان‌ها خودشان ذاتاً جنسیتی نیستند، بلکه از طریق معانی نمادین فضا/مکان و پیام‌های جنسیتی که به‌طور واضح منتقل می‌کنند، بر شیوه‌هایی که جنسیت برساخته و فهمیده می‌شود تأثیرگذارند و این شیوه‌ها را منعکس می‌کنند» (Massey 1994, 17).



در پی ساختارهای اتوپیايي اجتماعي موردنظر اروپا نيست و خانواده در آن هديفي براي مقابله نيست؛ در اينجا بعد صنعتي و مكانيكي شدن آشپزخانه و تسهيل امور جاري زندگي محرک اصلي تحولات است و البته رويکردهاي سرمايه‌داري و مصرف‌گرائي نيز از همين مجرا کم کم جاي خود را در آن جامعه باز مي‌کنند (Hollows 2008, 38). «آشپزخانه باز» در دوره مدرن که تفکيک عملکردي در آن يک اصل بود، مفهومي دوگانه داشت. آنان که مارکسيستي تر فکر مي‌کردند، مفهوم زندگي در سکونتگاه‌هاي اوليه را داشت که امور زندگي در هم آميخته بود؛ اما آنچه در اوایل مدرنيسم از سوي برخي طراحان به‌ويژه در هلند مطرح شد ظاهراً با اين اهداف خالص مدرنيستي فاصله داشت و مزيايي آن را نه در وجه ايدئولوژيک بلکه در امکاني که اين آشپزخانه براي نظارت مادر بر زندگي فرزندان فراهم مي‌کرد ذکر مي‌کردند (Teige 2002, 79). در روزگار حاضر اين مفهوم آشپزخانه همچنان در غرب مطلوب دانسته مي‌شود (هابراکن و ديگران ۱۳۶۷، ۲۱-۱۴؛ Freeman 2004, 74).

۶. يافته‌هاي پژوهش

۶-۱. بازنگري در مفهوم و ماهيت زنانه آشپزخانه: مطالعه موري مطبخ و فضاهاي پخت‌وپز در خانه‌هاي سنتي خرم‌آباد

در راستای پاسخگویی به سؤالات پژوهش، ابتدا اسناد معماری با محوریت فضاهای پخت‌وپز و شرحی از خانه‌های مورد پژوهش آورده شده‌اند. سپس انواع فضاهای پخت‌وپز در خانه‌های سنتی شناسایی و معرفی خواهند شد و در ادامه تحول ماهیت زنانه فضای مطبخ در دوران گذار مدرنیته در خانه‌های سنتی خرم‌آباد بر اساس اسناد معماری، اسناد تاریخی و نتایج حاصل از مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته مورد واکاوی قرار خواهند گرفت. در گام بعد به برخی از مهم‌ترین علل این دگرگونی‌ها پرداخته خواهد شد.

۶-۲. معرفی نمونه‌های مورد پژوهش

دوره ديگر کاملاً متفاوت است. اين فضا با سبک زندگي مردم پيوند دارد تا آنجا که از نوع سازمان‌دهی و ارتباطات آن مي‌توان به هويت فرهنگي افراد ساکن در خانه پي برد. تحول خواهي در آشپزخانه نيز از همين پيوند آن با سبک زندگي ناشي مي‌شود که دو قرن اخير، نگاه‌هاي متفاوتي را به موقعيت، کارکرد و طراحي آشپزخانه موجب شده است. با ظهور شکل جديد خانواده هسته‌اي در اروپا، از قرن ۱۷ و در طبقه بورژوا، تفکيک دقيق عرصه‌ها به همراه تخصصي شدن فضاها به ظهور پيوست و به‌اين ترتيب آشپزخانه که در زندگي اروپايي ماهيتي دوگانه عمومي و خصوصي داشت، عملکرد عمومي خود را به فضاهاي مجزا مانند نشيمن، ناهارخوري و پذيرايي واگذار کرد و خود به‌عنوان فضايي مجزا در گونه‌هايي از خانه‌هاي شهري در کنار فضاهاي خدماتي ديگر قرار گرفت و نوعي عقلائي کردن فضاها دانسته شد (مدنی پور ۱۳۸۷، ۱۱-۱۰۴). به‌جز ايدئاليسم مارکسيستي، جنبش‌هاي زنانه از همان قرن نوزده و نخست با تکیه بر ساده‌سازي کار زنان در خانه، پيشنهاد تسهيلات مشترک خانه‌داري در واحد همسايگي از جمله آشپزخانه اشتراکي را مطرح کردند (2004 Snodgrass، ذيل Cooperative Kitchen)، اما اين امر در ميان فمينيست‌هاي معاصر به‌نوعی ديگر از تجارب ضد ساختار سنتي خانواده تبديل شده است. فرانک، لزوم تغيير ساختار خانه و واحد همسايگي مبتني بر الگوي تک خانواری مطرح مي‌کند و دليل آن را جدا کردن زنان از ارتباطات اجتماعي، تحمیل کارخانگي زياد بر زنان و انفصال محيط کار و زندگي به دليل عدم امکان کار خانگي مشترک و در نتيجه وابستگي زياد به اتومبيل برمي‌شمرد (Franck 1994). فهم تحولات آشپزخانه در جريان مدرنيسم و نقش آن در زندگي کشورهايي که خود پديدآورنده مدرنيسم نبودند، بدون توجه به دو رويکرد اساساً متفاوت مدرنيست‌ها ناممکن است. يک رويکرد که بيشتر اروپايي است، تحول در آشپزخانه را از باب لزوم تغيير ساختار خانواده و اجتماع مطرح مي‌کند. در اين ديده‌گاه آشپزخانه از بعد نقشي که در تحقق شکل آرمانی سوسياليستي مي‌تواند ايفا کند، نگريسته مي‌شود؛ لذا به خاطر آن که آشپزخانه در قوام يافتن شکل زندگي جوامع فئودالي و بورژوازي داراي نقشي اساسي دانسته مي‌شود؛ ديده‌گهي منفي در مورد آن وجود دارد. در کنار آن جنبش‌هاي زنان نيز در اروپا گاه در کنار کمونيست‌ها و گاه مستقل از آن‌ها، اصولاً خانه را به‌عنوان يک هدف براي حملات نقادانه خود برگزيدند (مدنی پور ۱۳۸۷، ۲۶۳) و ضرورت تحول در آشپزخانه را متذکر شدند (نظرات شارلوت پرکينز گيلمن و Heynen 2005, 10). درحالی که در آمريکا دستکم تا دهه ۱۹۶۰ ميلادي مدرنيزاسيون جامعه کمابيش مربوط به فرم است تا محتوای اجتماعي و دستکم،

جدول ۴. معرفی اجمالی نمونه‌های مورد پژوهش و موقعیت فضاهای مطبخ و پخت‌وپز

| | |
|--|--|
| <p>تخریب‌شده. بازسازی و ترسیم با توجه به منابع تصویری تاریخی، سازمان نقشه‌برداری کشور ۱۳۳۵، مصاحبه با مالکان و پژوهش‌های میدانی: توسط نگارندگان. برداشت اسناد توسط نگارندگان. موجود در آرشیو سازمان میراث فرهنگی صنایع‌دستی و گردشگری لرستان: برداشت‌کنندگان خانه‌ها (خانه کشفی: عطا حسن‌پور، صمیمی نسب) (خانه ابوالقاسمی: حسن‌پور) (خانه جزایری، مطبخ خانه سید رضا تفرشی، خانه عیسی‌زاده، خانه جزایری: محمدی اصل). فضای مطبخ و فضای پخت‌وپز (تژگاه)</p> | |
| <p>تصویر بنا</p> | <p>معرفی اجمالی خانه‌ها</p> |
| | <p>پلان معماری</p> <p>خانه قاضی آخوند ابو: (دوره قاجار) قاضی شهر در عهد ناصری و اهل خوزستان. مساحت ۹۵۰ مترمربع. دو ورودی: ورودی اندرونی، بیرونی. دالان زاویه‌دار. دارای هشتی و پیرنشین. جبهه شمال دوطبقه، جنوبی یک طبقه. فاقد راه ارتباط با همسایه.</p> |
| | <p>خانه صارمی - رشیدی: (دوره قاجار) از کردهای مکرکی که در دوره صفوی به لرستان مهاجرت نمودند. مساحت: ۳۳۰ مترمربع. دو ورودی به معبر اصلی در جبهه شرقی و غربی. دالان مستقیم و عریض. فاقد پیرنشین. دارای زیرزمین در جبهه جنوبی. فاقد راه ارتباطی با خانه‌های هم‌جوار. دسترسی به نهر در حیاط.</p> |
| | <p>خانه عیسی‌زاده - جوادی: (دوره قاجار) مساحت ۳۲۷ مترمربع. دارای یک ورودی و یک حیاط مرکزی - دارای دو راه ارتباطی با همسایه در جبهه غربی در حیاط و تراز طبقه اول. دالان مستقیم. فاقد پیرنشین و هشتی و زیرزمین. جبهه شمالی دوطبقه و جنوبی یک طبقه.</p> |
| | <p>خانه شفیعی - آقایی: (قاجار) مساحت ۴۱۰ مترمربع. حیاط مرکزی. یک ورودی. فاقد پیرنشین، هشتی و راه ارتباطی با همسایه. جبهه شمالی و جنوبی دوطبقه و شرقی و غربی یک طبقه. چاه آب در حیاط خانه. دالان مستقیم و عریض.</p> |
| | <p>خانه آغا یهودی - بهرامی: (دوره قاجار و پهلوی اول) مساحت ۲۴۸ مترمربع. فاقد هشتی و پیرنشین و زیرزمین. دالان مستقیم. یک حیاط مرکزی. جبهه شمالی دوطبقه و یک اتاق بالاخانه در طبقه سوم. جبهه جنوبی و غربی یک طبقه.</p> |
| | <p>خانه عبدالله کشفی: (قاجار) مساحت نخستین ۶۱۰ مترمربع - باقیمانده ۱۹۵ مترمربع. یک ورودی و دسترسی به دباغ‌خانه صاحبخانه. دالان مستقیم. فاقد زیرزمین و پیرنشین و راه ارتباطی با خانه‌های هم‌جوار. دارای دو حیاط. جبهه شمالی و جنوبی دوطبقه. اتاق بالاخانه در بام جبهه شمالی. شرقی یک طبقه. نهر شهری در حیاط‌ها.</p> |



تخریب شده. بازسازی و ترسیم با توجه به منابع تصویری تاریخی، سازمان نقشه‌برداری کشور ۱۳۳۵، مصاحبه با مالکان و پژوهش‌های میدانی: توسط نگارندگان.

برداشت اسناد توسط نگارندگان.

موجود در آرشیو سازمان میراث فرهنگی صنایع‌دستی و گردشگری لرستان: برداشت‌کنندگان خانه‌ها (خانه کشفی: عطا حسن‌پور، صمیمی نسب) (خانه ابوالقاسمی: حسن‌پور) (خانه جزایری، مطبخ خانه سید رضا تفرشی، خانه عیسی‌زاده، خانه جزایری: محمدی اصل).

فضای مطبخ و فضای پخت‌وپز (تژگاه)

| تصویر بنا | پلان معماری | معرفی اجمالی خانه‌ها |
|---|---|--|
| | | <p>خانه آیتاله جزایری: (دوره قاجار و پهلوی اول) روحانی و اهل خوزستان. مساحت نخستین: ۶۲۰ و باقیمانده ۱۸۰ مترمربع. دو ورودی اندرونی و بیرونی (دفترخانه مالک). فاقد راه ارتباطی با خانه‌های همجوار. دالان‌های مستقیم و عریض. فاقد پیرنشین. جبهه شمالی و جنوبی دوطبقه. چاه آب در حیاط.</p> |
| | | <p>خانه الماسیان: (دوره قاجار و پهلوی اول) مساحت ۴۶۰ مترمربع. یک ورودی. هشتی و دالان مستقیم و عریض. فاقد پیرنشین. دارای راه ارتباطی به حیاط همسایه. جبهه شمالی و جنوبی دوطبقه. چاه آب در دالان. در جبهه غربی و جنوبی همجوار با کاروانسرای سید رضا تفرشی.</p> |
| | | <p>خانه ابوالقاسمی: (دوره قاجار و پهلوی اول) مساحت ۲۲۵ مترمربع. دارای یک ورودی. فاقد راه ارتباطی با همسایه‌های مجاور. دارای دالان مستقیم و عریض. فاقد پیرنشین و هشتی و زیرزمین. جبهه شمالی دوطبقه. سایر جبهه‌ها یک طبقه. دارای نهر درون‌شهری در حیاط خانه.</p> |
| | | <p>خانه گلشن: (دوره قاجار و پهلوی اول) مساحت ۱۶۰ مترمربع. دارای یک حیاط مرکزی. چاه آب در حیاط خانه. فاقد هشتی و پیرنشین و زیرزمین. دارای دالان مستقیم و عریض. جبهه شمالی دوطبقه. جبهه جنوبی یک طبقه. فاقد راه ارتباطی با خانه‌های همسایه‌های همجوار.</p> |
| | | <p>خانه فتاح: (پهلوی اول) مساحت ۳۱۸ مترمربع. فاقد هشتی و پیرنشین. فاقد زیرزمین. دو ورودی و دو دالان مستقیم و عریض. یک حیاط مرکزی. یک طبقه. فاقد راه ارتباطی با خانه‌های همسایه‌های همجوار. دارای چاه آب در حیاط خانه. فاقد پلکان منتهی به بام. (دهه ۶۰ تخریب شد).</p> |
| <p>خانه کریمی - معتمدی: (پهلوی اول)</p> | | <p>خانه سپهوند: (پهلوی اول)</p> |
| <p>مساحت ۴۰۲ مترمربع. یک حیاط مرکزی. فاقد هشتی و پیرنشین و زیرزمین. دالان مستقیم. جبهه شمالی و جنوبی یک طبقه. فاقد راه ارتباطی با همسایه‌های همجوار. فاقد پلکان منتهی به بام.</p> | <p>مساحت ۲۴۰ مترمربع. فاقد هشتی و پیرنشین و زیرزمین. دالان مستقیم. حیاط مرکزی. یک طبقه. دسترسی به نهر درون‌شهری. فاقد راه ارتباطی با همسایه‌های همجوار. دارای پلکان ارتباطی به بام.</p> | |





اتاق، پختن برخی غذاها، دم کردن چای و نان و گاهی نیز برای خشک کردن لباس‌ها از آن استفاده می‌شد. تژگانه برای لرستانی‌ها مقدس است و هیچ‌گاه آن را با آب خاموش نمی‌کنند، تنها در هنگام مرگ جوان و یا بزرگ قوم آب بر تژگانه می‌ریزند که نشانی از خاموشی عمر فرد در گذشته است.

۳-۳-۶. طاق‌های پیرامون حیاط

برخی طاق‌های پیرامون حیاط به‌عنوان فضاهایی نیمه‌باز مخصوص پخت نان که دارای تژگانه یا اجاق‌هایی نیز بوده‌اند، وجود داشته‌اند.

۴-۶. تحولات و دگرگونی‌های ماهیت زنانه فضای

مطبخ در دوران گذار مدرنیته

۴-۶-۱. کاهش تنوع فضاهای پخت‌وپز

بررسی نشان می‌دهد تنوع فضاهای پخت‌وپز (مطبخ بسته، مطبخ نیمه‌باز، تژگانه، طاق‌های پیرامون حیاط: محل پخت نان و غذا و رنگرزی و سایر) در گذار از دوره قاجار به پهلوی اول دچار دگرگونی شده و کاهش یافته‌اند. در جدول ۴ موقعیت فضاهای پخت‌وپز در خانه‌های مورد پژوهش آورده شده‌اند. در جدول ۵ شرح موقعیت و نوع فضاهای پخت‌وپز در خانه‌های تاریخی مورد پژوهش، آورده شده‌اند.

جدول ۵. شرح موقعیت و نوع فضاهای پخت‌وپز در خانه‌های تاریخی مورد پژوهش

| نام خانه‌ها | تاریخ | موقعیت مطبخ بسته نسبت به حیاط | | | | دسترسی | مطبخ | | محل پختن نان |
|-----------------------|-------------------|-------------------------------|-------------|------------------------------|---------------|--------|-------------------|---|--------------|
| | | موجود (■) | ناموجود (□) | ادغام‌شده با فضاهای دیگر (■) | مطبخ نیمه‌باز | | تژگانه در اتاق‌ها | | |
| خانه قاضی آخوند ابو | قاجار | ■ | □ | □ | حیاط | ■ | □ | □ | |
| خانه صارمی-شیدی | قاجار | □ | ■ | ■ | حیاط | □ | ■ | ■ | |
| خانه عیسی زاده-جوادی | قاجار | ■ | ■ | ■ | حیاط | ■ | ■ | ■ | |
| خانه شفیعی-آقایی | قاجار | ■ | ■ | ■ | حیاط | ■ | ■ | ■ | |
| خانه عبدالله کشفی | قاجار | ■ | ■ | ■ | حیاط | ■ | ■ | ■ | |
| خانه ابوالقاسمی | قاجار و پهلوی اول | ■ | ■ | ■ | حیاط | ■ | ■ | ■ | |
| خانه آیت‌اله جزایری | قاجار و پهلوی اول | ■ | ■ | □ | حیاط | ■ | □ | ■ | |
| خانه الماسیان | قاجار و پهلوی اول | ■ | ■ | ■ | حیاط | ■ | ■ | □ | |
| خانه آغا یهودی-بهرامی | قاجار و پهلوی اول | ■ | ■ | □ | حیاط | ■ | □ | □ | |
| خانه گلشن | قاجار و پهلوی اول | ■ | ■ | ■ | حیاط | ■ | □ | ■ | |
| خانه مرادی | پهلوی اول | ■ | ■ | □ | حیاط | ■ | □ | ■ | |
| خانه سپهوند | پهلوی اول | ■ | ■ | □ | حیاط | ■ | □ | ■ | |
| خانه کریمی- معتمدی | پهلوی اول | ■ | ■ | □ | حیاط | ■ | □ | ■ | |
| خانه فتاح | پهلوی اول | ■ | ■ | □ | دالان | ■ | □ | □ | |

۳-۶. انواع فضاهای پخت‌وپز

با بررسی منابع تاریخی، اسناد تصویری و مصاحبه‌ها و پژوهش‌های میدانی، فضاهای پخت‌وپز در خانه‌های قاجار و پهلوی اول مورد واکاوی قرار گرفت که سه نوع فضای پخت‌وپز را در خانه‌های قاجار خرم‌آباد نشان می‌دهد.

۳-۶-۱. مطبخ

مطبخ بر دو نوع بوده است، مطبخ به‌عنوان فضایی بسته و دارای درب و پنجره و دیگری مطبخ به‌عنوان فضایی سرپوشیده ولی بدون درب و پنجره و به عبارتی به‌عنوان فضایی نیمه‌باز در حیاط. این مطبخ‌ها محل پخت‌وپز خوراک و پخت نان نیز بوده‌اند و در جداره خود دارای طاقچه‌ها با ابعاد متفاوت بوده‌اند که برای نگهداری برخی مواد غذایی و برخی ظروف مورد استفاده قرار می‌گرفتند و همچنین دارای فضایی برای نگهداری هیزم یا زغال در حد مصرف روزانه بوده‌اند.

۳-۶-۲. تژگانه

از فضاهای پخت‌وپز در خانه‌های تاریخی خرم‌آباد بوده، «تژگانه» در چادر عشایر محل برافروختن آتش و عموماً در مرکز چادر بوده است. مربعی به ابعاد حدود چهل سانتیمتر که در کف اتاق در طبقه همکف و در کف طبقات بالاتر حفر می‌شد و با افروختن زغال در آن، جهت گرم کردن



۶-۱-۱-۴-۱. مطبخ بسته

مطبخ بسته به‌جز خانه صارمی - رشیدی در تمام نمونه‌های مورد پژوهش وجود داشته؛ در خانه آخوند ابو که اندرونی - بیرونی می‌باشد، از فضاهای پخت‌وپز تنها مطبخ بسته وجود داشته، خانه جزایری که اندرونی - بیرونی بوده علاوه بر مطبخ بسته، در برخی اتاق‌ها تژگه وجود داشته است.

«خانه ما اندرونی - بیرونی بود و مطبخ در گوشه حیاط بود. بزرگ بود و تا حدودی سیاه ولی خیلی تاریک نبود. پنجره داشت. بعدا کم کم سفیدکاری شدن. بخشی از مطبخ به انبار هیزم و زغال اختصاص داشت. نان رو هم خانم خدمتکار که با شوهرش در یک اتاق از خانه ما زندگی می‌کردند، توی مطبخ می‌پخت. چند خانواده باهم زندگی می‌کردیم و فقط خانم‌های خانه از این مطبخ استفاده می‌کردند و خانم‌های همسایه حق نداشتن از اون استفاده کنن» (آقا کد B5 متولد ۱۳۱۴ ش، مشابه خانم کد A5 متولد ۱۳۲۰ ش در مورد زندگی مادرش). «مطبخ خانه ما در گوشه حیاط بود. کمی از حیاط پایین‌تر بود. تاریک نبود و پنجره داشت. قسمتی از اون برای نگهداری هیزم و ذغال بود و طاقچه‌های متعددی داشت. چندین اجاق در اون وجود داشت». (پاسخ ۴ خانم و ۳ آقا ساکن در خانه‌های قاجاری و قاجاری - پهلوی اول).

طاقچه در اونجا ساخته شده بود. بعضی مواقع همسایه‌ها هم برای استفاده از این مطبخ و یا بردن آتش از اجاق‌های مطبخ بسته و کنار حیاط به خانه می‌آمدند. اون موقع برخی خونه‌ها سعی می‌کردن حتماً آتش اجاق رو همیشه روشن نگه دارن تا همسایه‌ها بتونن از آتش اون، اجاق‌های خونه شون رو روشن کنن چون معتقد بودن هر چی بیشتر اجاق خونه‌ای باعث روشن شدن اجاق‌های دیگه بشه به اون خونه برکت بیشتری میاد». (پاسخ ۵ خانم و ۴ آقا).

۶-۱-۳-۱. تژگه

در ۴ خانه قاجاری و ۲ خانه قاجاری - پهلوی اول تژگه وجود داشته: «خانه ما به‌جز مطبخ در همه‌ی اتاق‌ها تژگه داشتیم و بعضی‌ها شون هم شومینه. با گرم شدن هوا کرسی رو از روی تژگه برمی‌داشتیم و روی تژگه رو می‌پوشیدیم و مادرم بیشتر از ایوان‌های حیاط (مطبخ نیمه‌باز یا محل‌های پخت نان) و مطبخ برای پخت‌وپز استفاده می‌کرد. ولی در فصل‌های سرد همیشه تژگه روشن بود و از اون برای پخت‌وپز بعضی غذاها مثل آبگوشت و دم کردن چای و گرم کردن نان و روشن کردن قلیان استفاده می‌کردیم» (آقا کد B4، متولد ۱۳۱۰ ش مشابه پاسخ ۵ خانم و ۴ آقا).

۶-۱-۲-۱. مطبخ نیمه‌باز

مطبخ‌های نیمه‌باز در ۴ خانه قاجاری و ۲ خانه قاجاری - پهلوی اول وجود داشته است که برخی مواقع از طاق‌های عریض پیرامون حیاط به‌عنوان مطبخ نیمه‌باز استفاده می‌شد و بنابراین در هنگام پخت‌وپز امکان معاشرت با دیگر افراد در حیاط، ایوان، مهتابی و طارمی خانه نیز فراهم بود:

«بچه که بودم یادم میاد مادر بزرگ و مادرم و همسرم بعضی کارها رو در مطبخ انجام می‌دادن. مطبخ ما به حیاط گشوده بود و درب نداشت. این مطبخ بین اهل خانواده مشترک بود و زنان خانه که اغلب جاری بودن اشتراکی از مطبخ استفاده می‌کردن. البته پدرم به‌جز مادرم دو همسر دیگه هم داشت. بعضی اوقات هم همسایه‌ها برای پخت نان از تژگه مخصوص پخت نان که در کنار مطبخ و داخل یکی از طاق‌های اطراف حیاط بود بین خودشون به‌نوبت استفاده می‌کردند» (آقا کد B4، متولد ۱۳۱۰ ش).

«ما مطبخ داشتیم که گوشه حیاط بود. ولی بعضی مواقع از اون استفاده می‌کردیم. فضایی برای انبار زغال و هیزم و نگهداری برخی ظروف هم داشت. بیشتر مواقع مادرم از مطبخ نیمه‌باز استفاده می‌کرد. درب و پنجره نداشت و دروازه از طاق‌های پیرامون حیاط بود که اجاقی برای پخت‌وپز و چند

۶-۱-۴-۲. طاق‌های پیرامون حیاط (محل پخت**نان و غذا و رنگرزی و سایر)**

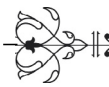
در ۴ خانه قاجاری و یک خانه قاجاری - پهلوی اول، محل پخت نان جدا از مطبخ بوده، در ۲ خانه قاجاری - پهلوی اول این فضا حذف شده و در ۴ خانه پهلوی اول و ۲ خانه قاجاری - پهلوی اول این فضا حذف و با فضای مطبخ جمع شده بود به‌طوری‌که در ۳ خانه پهلوی اول بخش انتهایی مطبخ که از سقف دارای دودکش بود به پخت نان اختصاص داشته و در ۲ مورد از مطبخ بسته استفاده می‌شده است. در ۲ مورد با مطبخ نیمه‌باز جمع شده بود.

«پدرم در محله نوساز شهر زمین خرید و خونه ساخت. خونه جدید ساز فقط مطبخ داشت. بخشی از مطبخ هم محلی برای پختن نان بود که پنجره بالای اون به سمت حیاط باز می‌شد.» (خانم کد A10 متولد ۱۳۳۰، خانه پدری مشابه خانم کد A6 در مورد خانه پدری: متولد ۱۳۳۴ ش) «انتهای مطبخ ما برای پخت نان بود و از سقف دودکش داشت.» (خانم کد A9 متولد ۱۳۲۴)

۶-۱-۲-۲. تنوع استفاده از فضاهای پخت‌وپز متناسب**با تغییر فصول سال**

«مادرم اغلب اوقات کارهای پخت‌وپز رو در ایوان و حیاط





واقع شده بود. بررسی نشان می‌دهد تنوع فضاهای پخت‌وپز بر میزان استفاده زنان از سایر فضاهای خانه تأثیرگذار بوده به طوری که حرکت زنان در خانه‌های قاجاری به صورت گردش میان فضاهای گوناگون بوده است و این روند در خانه‌های قاجار-پهلوی اول کاهش یافته و در خانه‌های پهلوی اول به صورت خطی بوده و به کمترین میزان خود رسیده است که از مبدأ مطبخ آغاز شده و به صورت رفت و برگشت به برخی فضاها منتهی می‌شده است. این کاهش تنوع فضاهای پخت‌وپز در عین حال موجب تجمع چندین عملکرد و فعالیت در یک فضا بوده به طوری که زنان زمان بیشتری را در این فضا سپری می‌کردند در حالی که در خانه‌هایی که تنوع فضاهای پخت‌وپز وجود داشته، زنان خانه فعالیت‌های خود را در فضاهای متنوع‌تری با دارا بودن تنوع حریم شخصی و خانوادگی و اجتماعی انجام می‌دادند.

یا بعضی اوقات در اتاق انجام می‌داد. بعضی اوقات هم در مطبخ. بستگی داشت در چه فصلی هستیم. وقتی هوا سرد می‌شد، مادرم کارهایی رو که در حیاط انجام می‌داد در مطبخ یا تڑگاه داخل اتاق انجام می‌داد» (خانم کد A4 متولد ۱۳۲۱ ش، مشابه خانم کد A2 تولد ۱۳۱۲، خانم A3 متولد ۱۲۸۹ ش، خانم کد A8 متولد ۱۳۱۴، خانم کد A10 متولد ۱۳۳۰، آقا کد B1 متولد ۱۳۱۴، آقا کد B2 متولد ۱۳۲۹، آقا کد B3 متولد ۱۳۲۱، آقا کد B8 متولد ۱۳۱۰ ش).

۳-۴-۶. موقعیت فضاهای مطبخ و پخت‌وپز و میزان ارتباط و استفاده زنان از فضاهای خانه

در ادامه موقعیت فضاهای پخت‌وپز در چند نمونه مورد پژوهش و میزان ارتباط و استفاده زنان از سایر فضاهای خانه نمایش داده شده است (جدول ۶). در تمام خانه‌های مورد پژوهش، فضای مطبخ بسته و نیمه‌باز در طبقه همکف

جدول ۶. موقعیت فضاهای مطبخ و پخت‌وپز در خانه‌های مورد پژوهش و میزان ارتباط و استفاده زنان از فضاهای خانه

راهنما: هشتی / دالان / آبریزگاه / حیاط / اتاق‌ها / پستو / ایوان محل پخت نان / مطبخ / تڑگاه / انبار
هیزم / زغال دان / حوض / نهر آب در حیاط خانه / چاه آب / مهتابی / طارمی

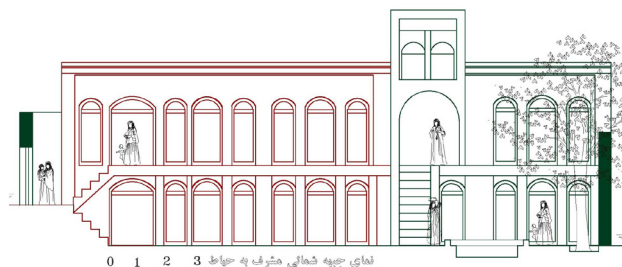
شرح و توضیحات، اسناد معماری و تصاویر



خانه صارمی-رشیدی: (دوره قاجار) واقع در محله قدیمی درب باباطاهر



جبهه جنوبی مشرف به حیاط خانه صارمی-رشیدی [از راست به چپ: محل مخصوص پخت نان، مطبخ نیمه‌باز، ایوان، اتاق سهدری بر روی زیرزمین و زغال دان، دالان و ورودی اصلی خانه، آبریزگاه در انتهای دالان].

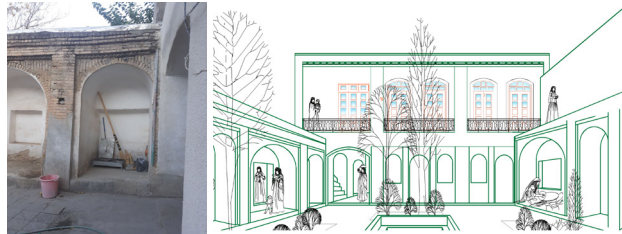
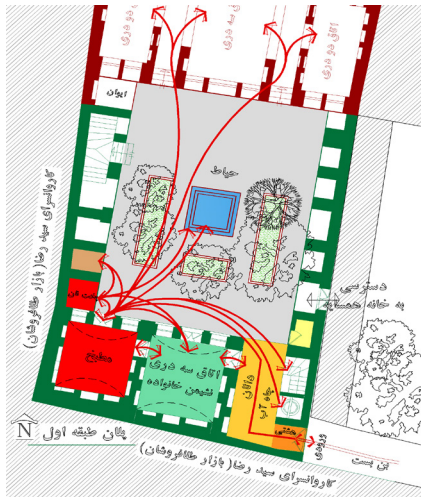


نمای جبهه شمالی خانه صارمی-رشیدی [جبهه شمالی دوطبقه و یک اتاق در بام طبقه سوم، جبهه شامل زیرزمین و طبقه اول، دارای دو ورودی به معبر. دارای فضاهای پخت‌وپز شامل تڑگاه در برخی اتاق‌ها، مطبخ نیمه‌باز در جنوب خانه و ایوان مخصوص پخت نان در کنار مطبخ، زغال‌دان در جبهه جنوبی]

راهنما: هشتی / دالان / آبریزگاه / حیاط / اتاق‌ها / بستو / ایوان محل پخت نان / مطبخ / تژگاه / انبار / هیزم / زغال دان / حوض / نهر آب در حیاط خانه / چاه آب / مهتابی / طارمی

شرح و توضیحات، اسناد معماری و تصاویر

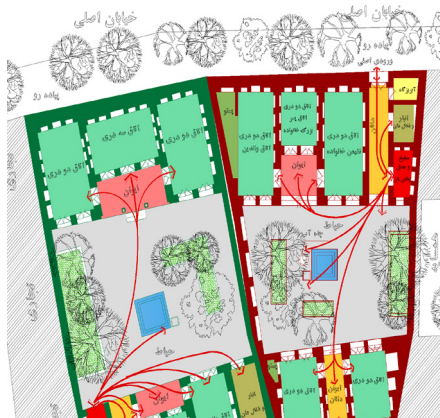
خانه الماسیان: (دوره قاجار و پهلوی اول) واقع در محله قدیمی پشت بازار



جبهه جنوبی مشرف به حیاط از راست: یکی از طاق‌های پیرامون حیاط مخصوص پخت نان. مطبخ. اتاق سهدری با دسترسی به مطبخ. دالان که چاه آب خانه و پلکان منتهی به طبقه دوم در آن قرار دارد. دارای مطبخ در جبهه جنوبی خانه و ایوان مخصوص پخت نان در جوار مطبخ. فاقد تژگاه. طبقه دوم شامل اتاق پذیرایی و اتاق مهمان و یک ایوان سرتاسری و کم‌عرض و یک ایوان بزرگ و مربعی شکل[۴].

خانه فتاح و خانه کریمی - معتمدی و خانه مرادی (دوره پهلوی اول):

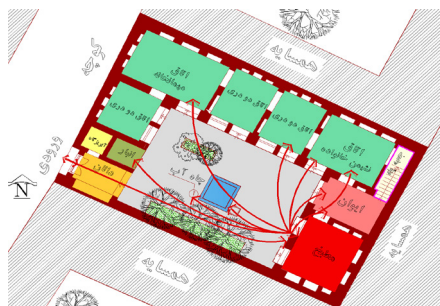
واقع در محله نوساز، توسعه شهر در دوره پهلوی اول) یک طبقه و هم‌جوار. دارای دو جبهه شمالی و جنوبی. مطبخ واقع شده در جوار دالان خانه، مطبخ‌های عمیق و کم‌عرض - در خانه فتاح واقع شده در جبهه شمالی و در خانه کریمی - معتمدی در جبهه جنوبی خانه - در خانه فتاح دارای دسترسی در دالان خانه و در خانه کریمی - معتمدی دسترسی از حیاط خانه. از هر دو فضا هم‌جهت پخت نان استفاده می‌شده و هم پخت‌وپز - دو خانه فاقد محل خاص پخت نان و تژگاه.



خانه فتاح (راست) و خانه کریمی - معتمدی (چپ)



مطبخ: جبهه جنوبی خانه کریمی - معتمدی - انتهای مطبخ جهت پخت نان با تهویه از سقف - مطبخ در کنار دالان و دسترسی از حیاط. خانه مرادی (پهلوی اول): یک طبقه، ساخت در سه جبهه شمالی و شرقی و غربی. دارای چاه آب در حیاط خانه. مطبخ در جبهه شمالی و روبروی دالان. مطبخ بزرگ و دارای دسترسی به ایوان مجاور و حیاط. دارای ایوان عریض و عمیق. فاقد تژگاه و محل مجزای مخصوص پخت نان.



خانه مرادی

بوده به‌طوری‌که زنان خانه علاوه بر انجام فعالیت‌های روزانه با افراد خانواده بخصوص فرزندان و میهمانان نیز در ارتباط بوده‌اند.

«در اتاق‌ها تژگاه داشتیم. مادرم برای گرم کردن خانه، نان، دم کردن چای، بعضی اوقات دم کردن برنج و پختن بعضی

۶-۴-۴. وجود تژگاه در اتاق‌ها: افزایش روابط خانوادگی

با وجود تژگاه در اتاق، بخشی از کارهای پخت‌وپز در شبانه‌روز به داخل اتاق منتقل می‌شد که در ماه‌های سرد شایع‌تر بود. همین امر موجب برقراری روابط خانوادگی بیشتر





همسایه‌ها که برای بردن آب به حیاط می‌اومدن معاشرت می‌کردم. کارهای آشپزی رو توی حیاط، ایوان، کنار نهر داخل حیاط و حیاط انجام می‌دادم و ماه‌های سرد خیلی از کارها و پخت‌وپز رو روی تژگاه داخل اتاق‌ها انجام می‌دادم» (خانم کد A۳ متولد ۱۲۸۹ ش).

«اون موقع خانم‌ها به‌جز مطبخ از اجاق‌های داخل طاق‌های پیرامون حیاط یا از تژگاه داخل اتاق برای پخت‌وپز استفاده می‌کردن و برای کارهایی مثل رنگرزی نخ‌ها یا گرم کردن آب و حمام کردن کودکان. بیشتر کارها رو توی ایوان، حیاط، طارمی، کنار حوض، تخت‌های توی حیاط و مطبخ انجام می‌دادم. با بعضی همسایه‌ها توی حیاط جمع می‌شدیم و پشم‌ریسی، بافندگی و بعضی کارهای آشپزی رو انجام می‌دادیم» (خانم کد A7 متولد ۱۳۱۱ ش).

«اون موقع همسایه‌ها خیلی اوقات توی حیاط با مادرم دوره‌ها جمع می‌شدن و کارهای صنایع‌دستی انجام می‌دادن یا توی مطبخ یا ایوان (مطبخ نیمه‌باز) حیاط ما نان یا غذا می‌پختن» (خانم کد A4 متولد ۱۳۲۵ مشابه خانم کد A10 متولد ۱۳۳۰ ش، مشابه آقایان در مورد زندگی مادر بزرگ و مادرهایشان: کد B1 متولد ۱۳۱۴ ش، کد B2 متولد ۱۳۲۹، کد B3 متولد: ۱۳۲۱، کد B8 متولد ۱۳۱۴).

۶-۴-۶. تجمیع فضاهای متنوع پخت‌وپز خانه‌های قاجاری در فضای مطبخ خانه‌های پهلوی اول: افزایش خصوصی شدن فضای مطبخ

بررسی نشان می‌دهد در خانه‌های قاجاری- پهلوی اول و نیز پهلوی اول فضاهای پخت‌وپز و علاوه بر آن میزان استفاده همسایگان نیز کاهش یافته به‌طوری که در خانه‌های پهلوی اول تنها تعداد معدود و خاصی از زنان همسایه در امر پخت‌وپز از مطبخ خانه همسایه خود استفاده می‌نموده‌اند:

«پدرم در محله نوساز شهر خونه ساخت که حیاط مرکزی بود. خونه جدید فقط مطبخ داشت و تژگاه نداشتیم. توی مطبخ جایی برای پختن نان داشتیم که پنجره اون به سمت حیاط بود. بقیه مطبخ برای پخت‌وپز بود. برخلاف خونه قبلی اینجا خیلی همسایه‌ها باهم رفت‌وآمد نمی‌کردن» (خانم کد A10 متولد ۱۳۳۰).

«پدرم حیاط ما رو پهلوی اول و در محله نوساز شهر ساخت. خونه ما فقط مطبخ داشت که پنجره هم به حیاط در ارتفاع بالا داشت برای خروج دود پخت نان و پخت‌وپز. تژگاه داخل اتاق‌ها و حیاط نداشتیم. حیاط ما طاق‌های خانه‌های قدیمی رو نداشت که برای پخت نان و پخت‌وپز استفاده بشن آخه دیوار سمت همسایه‌ها رو بلند می‌ساختن چون معلوم نبود بعداً همسایه ما کیه. یه منقل داشتیم که مادرم وقتی برای

غذاها بخصوص در ماه‌های سرد از اون استفاده می‌کرد. تژگاه وسط اتاق نبود. نزدیک به پایین اتاق بود، این قدر هم پایین نبود چون روی اون کرسی قرار می‌دادیم و همچنین در اتاق اون قدر جا بود که سفره پهن کنیم. مهمان‌های نزدیک و صمیمی در همین اتاق پذیرایی می‌شدن.» (خانم کد A4 متولد ۱۳۲۱ ش، خانه پدری، مشابه آقایان پیرامون خانه پدری: کد B1 متولد ۱۳۱۴ ش، کد B2 متولد ۱۳۲۹، کد B3 متولد: ۱۳۲۱، کد B8 متولد ۱۳۱۴)

«توی اتاق‌ها تژگاه داشتیم. موقعی هوا سرد بود مادرم روی تژگاه آب گرم می‌کرد و همان‌جا خمیر رو برای پخت نان آماده می‌کرد. کوچیک بودم، منم روی دوش مادرم می‌رفتم و دست‌هام رو دور گردنش حلقه می‌کردم و این‌طوری منم بازی می‌کردم. کنار تژگاه صبحانه بهمون می‌داد و بعضی خوراکی‌ها رو روی تژگاه می‌پخت. اون موقع خانه‌ها در اتاق نشیمن خونه که بهش می‌گفتیم «اتاق وردسی» یعنی اتاق نشیمن، تژگاه داشتن. بعضی اوقات بچه‌های کوچک رو کنار تژگاه حمام می‌کردن» (خانم کد A10 متولد ۱۳۳۰ ش زندگی مادرش).

«در اتاق پدرم همه دور تژگاه می‌نشستیم چای و صبحانه می‌خوردیم» (آقا کد B4 متولد ۱۳۱۰ ش).

۶-۴-۵. فضاهای پخت‌وپز، خلوتی زنانه و درعین‌حال عرصه زندگی نیمه‌خصوصی و جمعی در خانه‌های قاجار

در گزارش‌ها آمده که زنان علاوه بر استفاده از فضاهای پخت‌وپز خانه خود: مطبخ بسته و باز، محل مخصوص پخت نان در حیاط خانه خود از فضاهای مشابه همسایه‌ها نیز استفاده می‌کردند. به نظر می‌رسد فضاهای پخت‌وپز خانه‌های دوره قاجار نه تنها خلوتی زنانه تلقی می‌شدند، بلکه فضاهایی برای برقراری روابط خانوادگی و اجتماعی نیز بوده‌اند. به‌جز خانه آخوند ابو و خانه جزایری که هر دو دارای الگوی اندرونی- بیرونی هستند در دیگر خانه‌های قاجاری امکان استفاده همسایگان از مطبخ و تژگاه یکدیگر فراهم بود.

«خانه ما اندرونی- بیرونی بود. مطبخ کنج حیاط بود. چند خانواده زندگی می‌کردیم همه‌ی خانم‌ها از مطبخ استفاده می‌کردند. خانم‌های همسایه حق استفاده از مطبخ ما رو نداشتن» (آقا کد B5 متولد ۱۳۱۴ ش، مشابه خانم کد A5 متولد ۱۳۲۰ ش، خانه پدری).

«شوهرم قنادی داشت و مطبخ تبدیل به کارگاه شده بود. به شوهرم کمک می‌کردم. توی ایوان گوشه حیاط برای پخت‌وپز غذا و پخت نان چند تا اجاق آجری ساخته بودیم. این‌طوری موقع کار کردن از احوال خانه اطلاع داشتیم و با



پدرم بود. در تمام امور به‌جز ازدواج فرزندان؛ مادرم از طرف پدرم تام‌الاختیار بود. به‌جز مطبخ توی اتاق‌ها تڑگاه هم داشتیم. برخی طاق‌های حیاط اجاق داشتن و مادرم بعضی فصول برای پخت‌وپز و رنگ‌رزی از شون استفاده می‌کرد. همسایه‌ها خونه ما می‌اومدن و از مطبخ و اجاق‌های حیاط استفاده می‌کردن. مادرم لباس محلی می‌پوشید که خودش می‌دوخت. لباس‌های ما بچه‌ها رو هم می‌دوخت. با کشف حجاب پوشیدن لباس محلی ممنوع شد. مادرم تقریباً خونه‌نشین شد. سپاه دانش که اومد مادر و پدرم تشویق کردن که درس رو ادامه بدم و دبیر شدم. دوخت لباس‌های جدید رو یاد گرفتم و برای خودم و مادرم دوختم. مادرم بالاخره راضی شد که فقط توی خونه لباس‌های جدید رو ببوشه. اون چند سال برای خانم‌هایی مثل مادرم سخت بود. یکی از اتاق‌های کنار حیاط رو تبدیل به حمام کردیم و دیگه به حمام‌های شهر نمی‌رفتیم. بعضی خانم‌های همسایه برای استفاده از حمام به خونه ما می‌اومدن» (خانم کد A4 متولد ۱۳۲۱ ش).

«وقتی کشف حجاب شد امنیه‌ها گلونی (روسری بومی زنان) رو از سر زنان می‌کشیدن. زن‌هایی مثل من توی شهر و کوچه نمی‌رفتیم. زن‌هایی که پوشیدن لباس فرنگی رو قبول کردن مجبور شدن موهاشون رو تا گردن کوتاه کنن. حالا دیگه نمی‌تونستن از خونه بیرون بیان چون موی کوتاه در اینجا شرم‌آور بود» (خانم کد A3 متولد ۱۲۸۹ ش).

«مادرم لباس محلی می‌پوشید ولی عمه‌ها نقاب و چادر داشتن. قبل از کشف حجاب زنان روستایی و عشایر بیشتر از زنان شهری توی بازار بودند. بعد از کشف حجاب خیلی از زن‌های شهر دیگه توی بازار دیده نمی‌شدن. زنان عشایر و روستایی کمتر به شهر می‌اومدن. اون چند سال به زن‌ها سخت گذشت. بعضی‌ها پوشیدن لباس‌های جدید رو پذیرفتن» (آقا کد B8 متولد ۱۳۱۰ ش).

«قبلاً همسایه‌ها حتی پخت‌وپز رو توی مطبخ و تڑگاه خونه همدیگه انجام می‌دادن. تا اینکه کشف حجاب شد. یادم میاد زن‌ها نباید لباس بومی می‌پوشیدن. خیلی‌ها مثل مادرم از خونه بیرون نمی‌رفتند. خانم‌ها کمتر به خونه اقوام و همسایه‌ها می‌رفتند. بازار هم نمی‌رفتند. شهر جای نظامی‌ها و ارتشی‌ها بود که خونه‌ها رو به‌زور گرفتند یا اجاره کردن» (خانم کد A2 متولد ۱۳۱۲، مشابه خانم A7 متولد ۱۳۱۱، خانم کد A8 متولد ۱۳۱۴، مشابه آقا کد B3 متولد ۱۳۲۱، آقا کد B7 متولد ۱۳۲۱، آقا کد B8 متولد ۱۳۱۰، آقا کد B9 متولد ۱۳۱۴).

«خونه حیاط مرکزی بزرگی داشت و ۱۴ اتاق. دوره قاجار ساخته شده بود. مطبخ گوشه حیاط بود. مستأجر بودیم. به‌جز ما و صاحب‌خانه ۳ خانواده دیگه اونجا زندگی می‌کردن.

شستن به آب داغ نیاز داشت دیگه از مطبخ استفاده نمی‌کرد؛ از این منقل استفاده می‌کرد و از تشت فلزی بزرگی که پدرم برای عوض کردن روغن کامیونش ازش استفاده می‌کرد برای داغ کردن آب استفاده می‌کرد. پدرم بعضی اوقات چند ماه در مسافرت بود و این مدت مادرم ازش استفاده می‌کرد. بعضی همسایه‌های صمیمی به خونه مون رفت‌وآمد داشتن» (خانم کد A6 متولد ۱۳۳۴، خانه پدری).

«خانه‌ی ما در محله نوساز بود و مطبخ بزرگی داشت. به حیاط درب و پنجره داشت. ایوان به‌اندازه یک اتاق مابین مطبخ و اتاق ورودی بود. توی ایوان صبحانه می‌خوردیم و بعدها یه درب شیشه‌ای براش نصب کردیم که زمستان ازش بیشتر استفاده کنیم. خیلی از کارهای پخت‌وپز و خرد کردن مواد غذایی رو توی ایوان انجام می‌دادم. تڑگاه داخل اتاق‌ها نداشتیم. توی مطبخ چند اجاق آجری داشتیم که از یکی شون برای پخت نان استفاده می‌کردم. بعضی از همسایه‌های صمیمی اسباب پختن ناهار یا شام خودشون رو به خانه ما می‌آوردن» (خانم کد A1 متولد ۱۳۲۱ ش).

«مطبخ از حیاط دسترسی داشت و انبار هیزم و زغال توی دالان بود و خانم‌های خانه مدام توی دالان در رفت‌وآمد بودن، اگه درب باز می‌شد کوچه پیدا بود توی دالان یه پرده نصب کرده بودیم. خیلی‌ها همین کار رو می‌کردن که داخل خونه پیدا نباشه» (خانم کد A10 متولد ۱۳۳۰ ش، خانه پدری، آقایان در مورد زندگی مادرهایشان: کد B5 متولد ۱۳۳۷ و کد B6 متولد ۱۳۳۹ و مشابه خانم‌ها: کد A1 متولد ۱۳۲۱، کد A9 متولد ۱۳۲۴). مطبخ ما توی دالان بود. بعضی خانه‌ها درب مطبخ توی دالان و روبروی درب اتاق نشیمن بود یعنی همان اتاق دم‌دستی تا رفت‌وآمد راحت باشه. برای اینکه داخل خانه از کوچه پیدا نباشه پرده توی دالان نصب کردیم (خانم کد A6 متولد ۱۳۳۴).

۶-۷. خدشه‌دار شدن امنیت خانوادگی و اجتماعی: محبوس شدن بسیاری از زنان در خانه و دور شدن از اجتماع

پوشش قومیت‌های ایران به‌اندازه‌ی زبان آن‌ها با یکدیگر متفاوت و نماد هویت آنان است. کشف حجاب با ارزش‌های جامعه ایرانی در تضاد بود و علاوه بر آنکه امنیت خانوادگی بلکه امنیت اجتماعی را نیز خدشه‌دار کرد؛ عدم تحقق منافع جمعی را به دنبال داشت. زنان لر که تا پیش‌ازین از آزادی نسبی و پوشش بومی بهره‌مند بودند، ناگاه با شرایطی روبرو شدند که موجب محبوس شدن بسیاری از آنان در خانه و دور شدن از فضای اجتماعی گردید.

«پدرم روحانی بود. تاجر چرم و پوست، تاجر فرش و زمین‌دار بود. مادرم دختر یکی از خوانین عشایر و تنها همسر



اسلحه، توپ و طیاره جنگی در میان بود، حوادث خون باری در لرستان به بار آمد (امیراحمدی ۱۳۷۳، ۲۰۴)؛ «در نتیجه این محاربات که از ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۷ شمسی به طول انجامید، همه سران طوایف و ایلات لرستان اعم از مطیع و طاعی اعدام یا به قتل رسیدند. عاقبت راه شوسه لرستان- خوزستان کشیده و داستان یاغی‌گری لرستانی‌ها پایان یافت. دولت تصمیم گرفت قسمت زیادی از عشایر لرستان را در خراسان و سایر نقاط سکنی دهد که به واسطه عدم مواظبت و نفع طلبی مأمورین نظامی، بسیاری از مرد و زن و کودک و احشام تلف گردید» (بهار ۱۳۸۷، ۳۱۶). استبداد ناشی از تصرف لرستان توسط پهلوی^۱، دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی را به دنبال داشت که بازتاب آن‌ها را بر شیوه زندگی زنان و دگرگونی فضاهای زندگی می‌توان مشاهده نمود.

۶-۵-۲. دگرگون شدن ساختار اجتماعی، قومی و جمعیتی شهر در بدو ورود فرهنگ‌های جدید به شهر، ناشی از ورود قوای رضاشاه به منطقه و سیاست‌های حکومت نوظهور پهلوی

خرم‌آباد پیش از ورود قوای رضاخان، مشتمل بر تعداد هفتصد و هشتاد خانه و جمعیت آن کمی بیشتر از هشت هزار نفر بود. گویا تا وبای ۱۲۵۰ شمسی جمعیت آن قریب پانزده هزار نفر بوده است. خرم‌آباد به نام شهر فامیلی شهرت پیدا کرده بود. در ایام هرج و مرج (بازه زمانی اواخر قاجار تا فتح لرستان توسط رضاخان) نودونه درصد جمعیت شهر لرستانی بودند (والی‌زاده معجزی ۱۳۸۲، ۳۵). غیربومی‌ها اغلب حاکمان و حکومتیان، شاهزادگان قاجار و روحانیون بودند که در دوره قاجار به تدریج در خرم‌آباد ساکن شدند. مردمان شهر به دلیل ساختار قومی و قبیله‌ای یکدیگر را تا حدودی می‌شناختند و همین امر موجب ایجاد نوعی امنیت اجتماعی بود. پس از ورود پهلوی به لرستان به تدریج ساختار اجتماعی و جمعیتی شهر تغییر نمود؛ «با استقرار کامل نظامیان، شهرنشینان بیزار از هرج و مرج، نفس راحتی کشیدند و امیدوار به زندگی سعی داشتند کسب‌وکار خود را رونق دهند. دیری نگذشت که خرم‌آباد به شهر نظامی بدل شد و نظامی‌گری و خودکامگی بر همه شئون زندگی مردم سایه افکند. هر چه زمان می‌گذشت شهر جلوه دیگری به خود می‌گرفت» (قاسمی ۱۳۹۰، ۶۰). خرم‌آباد در طول سال اغلب میزبان سه جامعه عشایر، روستایی و ساکنان خود بود که اشتراکات فرهنگی میان آنان را به دنبال داشت. در دوره پهلوی حضور نظامیان و خانواده‌های آنان، مهاجران جویای کار، نیروهای عمرانی جهت ساخت‌وسازهای حکومتی و اداری جدید و نیروهای اداری استخدام‌شده در ادارات نوظهور؛ موجب انتقال فرهنگ‌های جدید به شهر شد.

توی اتاق‌ها تڑگاه داشتیم. دو تا از تاق‌های پیرامون حیاط برای پخت‌وپز و پخت نان بودن. زنان خانه از اون‌ها برای پخت‌وپز استفاده می‌کردن. همسایه‌ها بعضی اوقات می‌اومدن و استفاده می‌کردن. بعدها در محله نوساز شهر پدرم خونه حیاط مرکزی ساخت. یک طبقه بود. فقط مطبخ داشت. انبار هیزم کنار مطبخ در دالان بود و بعدها محل نگهداری نفت شد. مادرم برخلاف خونه قبلی اینجا با همسایه‌ها کمتر رفت‌وآمد داشت. کارهای پخت‌وپز رو توی مطبخ و بعضی کارها رو توی اتاق روبروی مطبخ انجام می‌داد» (خانم کد A10 متولد ۱۳۳۰ زندگی مادرش. مشابه خانم کد A1 متولد ۱۳۲۵، خانم کد A9 متولد ۱۳۲۴).

«مادرم خرید و کارهای بیرون از خونه رو انجام می‌داد چون پدرم راننده کامیون بود و مدت‌ها مسافرت بود. وقتی مادرم بیرون می‌رفت لباس محلی می‌پوشید و برای اینکه موهاش پیدا نباشه یکی از گلونی هاش رو که بزرگ‌ترین شون بود و در زبان محلی بهش «کت» میگفتن روی دوشش می‌انداخت و از جلو گره می‌زد. تا پشت زانو بلند بود. این‌طوری بخشی از موها، گردن و یقه و جلوی لباس پوشیده می‌شد. بخشی از لباس سنتی بود. خانه ما فقط مطبخ داشت و در محله نوساز شهر پدرم ساخته بود. پوشش مردم متفاوت بود. برخی پوشش بومی داشتن و بعضی فرنگی که با کشف حجاب رواج پیدا کرد» (خانم کد A6 متولد ۱۳۳۴ پیرامون زندگی مادرش).

۶-۵-۱. عوامل مؤثر بر تحول ماهیت زنانه فضای مطبخ

پس از واکاوی منابع اسنادی و مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته، ابتدا به چگونگی استقرار حکومت پهلوی در منطقه پرداخته خواهد شد و سپس برخی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر دگرگونی و تحول ماهیت زنانه فضای مطبخ در دوران گذار مدرنیته در خانه‌های سنتی خرم‌آباد مشخص گردید که در ادامه به این عوامل پرداخته خواهد شد.

۶-۵-۱. چگونگی استقرار حکومت پهلوی در منطقه

روزگاری که قاجار به حکومت رسید؛ لرستان ۴۳۶ سال فرمانروایی اتابکان لر کوچک و ۲۰۴ سال حاکمیت والیان را به خود دیده بود. در دوره قاجار پایه‌های امنیت و معیشت در این دیار سست شد و روبه‌زوال رفت. با روی کار آمدن رضاشاه و تلاش وی برای تمرکز و تسری قدرت دولت مرکزی در سراسر کشور، لرستان مورد توجه قرار گرفت. رضاشاه بدون در نظر گرفتن بنیان‌های اقتصادی، فرهنگی و نظامی حاکم بر لرستان و بخصوص عشایر، تصمیم به مقابله گرفت (شهسواری و نجار ۱۳۹۳، ۵۲). در این درگیری‌ها که پای



دارای حجاب عرفی بودند که هنوز در برخی از مناطق رایج است. از دید آنان، پوشیده بودن شامل گردن و موی سر نمی‌شده و یکسان‌سازی پوشاک و عدم استفاده از پوشش‌های بومی، بی‌حجابی است. هویت قومی یا فرهنگی را می‌توان علاوه بر تغییر زبان با تغییر پوشاک نیز زدود. یکسان‌سازی پوشاک و ممنوعیت استفاده از پوشاک بومی با استبداد رضاشاه بر ساکنان اعمال شد و زنان جامعه را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار داد. با کشف حجاب، زنان لر مجبور به پوشیدن لباس‌های فرنگی شدند. به اعتقاد بانیان کشف حجاب البسه جدید با آرایش سنتی موهای زنان لر همخوانی نداشت لذا زنان را مجبور نمودند که گیسوان بلند خود را بسیار کوتاه نمایند تا با کلاه‌فرنگی و البسه جدید هماهنگ باشد.

۶-۵-۴. تصرف عدوانی خانه‌های شهر توسط ارتش و سازمان‌های حکومتی و چند قسمت نمودن برخی خانه‌ها

قوای نظامی که به‌منظور اداره شهر و دیار وارد خرم‌آباد شدند، مکان کافی برای استقرار نداشتند. پادگان در فضای باز؛ باغات و اراضی کشاورزی برپا کردند (قاسمی ۱۳۹۰، ۵۷). هم‌زمان نوبت به تصرف و تملک خانه‌های مردم توسط ارتش و سپس سازمان‌ها و نهادهای حکومتی رسید که بازتاب آن

«دیری نگذشت معضل‌های نو پدیدار شد که با فرهنگ بومی و بافت مذهبی قاطبه اهالی همخوانی نداشت. گروه‌هایی سرووضع خود را نو کردند و بعضی نیز تا حدودی از فرهنگ وارداتی پیشی گرفتند؛ اما خیل بی‌شماری گرفتاری‌های نوپدید را با یکدیگر زمزمه می‌کردند» (همان، ۶۰).

۶-۵-۳. تجدد آمرانه

سیاحان، گزارش‌هایی از پوشاک و پوشش زنان منطقه را ثبت نموده‌اند. «زنان زاگرس هرگز حجاب «چادری» نبوشیده‌اند و هنوز هم نمی‌پوشند، برخی زنان مگر مواقعی که به شهرهای دیگر بروند. پوشش سر آن‌ها شامل سربند است که در لرستان چند نوع دستمال بزرگ و متوسط و در اکثر مواقع از جنس ابریشم خالص است، روی یکدیگر به دور سر بسته می‌شوند و به موها اجازه می‌دهد کاملاً آزاد و پریشان باشند. موهای خود را به تعداد متفاوت بافته و در پشت سر و جلوی خود می‌اندازند. به‌غیر از کیفیت بافته‌ها و ارزش زینت‌آلات، به‌ندرت تفاوتی بین طبقات اجتماعی وجود دارد» (دیگار ۱۳۸۳، ۳۵۷). ادموندز مانند استارک گزارش نسبتاً کامل از پوشش زنان لرستان ارائه نموده است (ادموندز و دیگران ۱۳۶۲، ۷۸ و استارک ۱۳۶۴، ۹-۱۲-۴۳). کرزن؛ زنان لرستان را بی‌حجاب دانسته (کرزن ۱۳۷۳، ۳۴۱). منظور وی از حجاب، چادر و نقاب بوده، آنان



۳. شست‌وشو در رودخانه خرم‌آباد، هارلی، ۱۲۹۹ شمسی؛ کتابخانه ملی استرالیا؛ nla.obj-159635262



۲. پشم‌ریسی، هارلی، ۱۲۹۹ شمسی؛ کتابخانه ملی استرالیا؛ nla.obj-159665383



۱. یک خانواده لرستانی، اواخر حکومت قاجار، سوروکین، ۱۲۷۸ شمسی



۶. رضاشاه در سفر به خرم‌آباد و عبور از مقابل صفوف زنان، پس از کشف حجاب، ۷ فروردین ۱۳۱۶. مرکز مطالعات تاریخ معاصر ایران. شماره: ۱۲۳۹۳۱-۲۷۵ م



۵. گوشه‌ای از مراسم عروسی در یکی از روستاهای خرم‌آباد پیش از کشف حجاب. مرکز مطالعات تاریخ معاصر ایران. شماره ۵۹۴-۱۲۴ ط



۴. پوشش زنان لرستان در مراسم عروسی، هارلی، ۱۲۹۹ شمسی؛ کتابخانه ملی استرالیا؛ nla.obj-159622007

تصویر ۱. پوشش بومی زنان منطقه مورد پژوهش در اواخر قاجار تا پس از کشف حجاب



شهرستان هرچند خانواری در یک عمارت قدیمی و مخروبه با کمال ناراحتی زندگی می‌کنند. علتش هم این است که آقایان افسران و روسای ادارات هر کدام یک عمارت جداگانه از خانه‌های نوسازی که مردم برای سکونت خودشان تهیه کرده‌اند و شاید در ظرف بیست سال قبل تاکنون مالک حقیقی حتی قادر به بازدید از اتاق‌های عمارت خود نبوده و آقایان متصرفین در موقع انتقال و تغییر مأموریت، ساختمان را به جانشین و یا هم‌قطار خود واگذار نموده‌اند. روی این اصل عده کثیری از مردمان این شهر به‌واسطه تنگی جای فوق‌العاده دچار زحمت و در نتیجه مخروبه‌گی ساختمان‌های قدیمی دائماً بیمار و در زحمت هستند. آیا می‌توان با این ترتیب به آبادانی و بسط آزادی و راحتی مردم امیدوار بود. اینکه وزارت جنگ این‌جانب را دارای عمارت متعدد دانسته صحیح نیست. بنده یک عمارت دارم که در ابتدا ساختمان باینکه نیمه‌تمام بود نصف آن را سرکار سرهنگ اوحدی رئیس بهداری تیپ سابق به خود اختصاص داد. چون مثل حالا قادر در جلوگیری از او نبودم ناچار دیواری وسط آن کشیده قسمتی دیگر را خودم با عده زیادی عائله سکونت نموده‌ام. موقعی که افسر نامبرده تغییر کرد، دژبان پادگان خانه را به آقای سرهنگ امینی تحویل نمود و از آن موقع تا به حال بنده مدتی به‌طور خصوصی و پس از آن به‌وسیله نظام و شکایت درصدد تخلیه آن عمارت هستم... آن‌طور که شایسته مقام مجلس است امر اکید صادر که بیش از این متضرر و خسارت‌بار نشوم و یا بدانم امروز هم مثل زمان دیکتاتوری هر کس هر چه بخواهد بکند می‌کند و دادرسی نیست».

۶-۵-۵. تصرف و تخریب باغ‌ها، اراضی و زیرساخت‌های شهر

اگرچه در دوران قاجار آبادانی شهر روبه‌زوال نهاد در دوران رضاشاه روند سریع‌تری به خود گرفت که ناشی از اقدامات مستبدانه حکومت بود. در اسناد و گزارش‌ها به تخریب باغات و اراضی کشاورزی و تبدیل نمودن آن‌ها به پادگان‌های نظامی، ادارات و ساختمان‌های دولتی، از بین بردن منابع کسب درآمد و ارتزاق مردم مانند تصرف معدن نمک منطقه توسط حکومت، تخریب طاحونه‌های (آسیاب‌ها) شهر و کم شدن تولید نان در شهر، آزار کسبه و بازاریان توسط نظامیان و نیروهای حکومتی، اشاره شده است که همگی به نامنی منطقه و شهر دامن می‌زد^۱.

۷. بحث در نتایج

در جدول ۹ اشتراک و افتراق پژوهش‌های انجام‌شده با پژوهش حاضر آمده است.

را می‌توان بر زندگی زنان و فضاهای سکونت مشاهده نمود^۲. دو گزارش ذیل نکاتی پیرامون وضعیت اجتماعی و سکونت مردمان شهر را بازتاب داده‌اند، آورده شده‌اند. [شکایت نوری عطار خرم‌آبادی پیرامون تصرف خانه‌اش توسط نایب اسکندر خان از اعضای گارد سپه به مجلس ملی. سال ۱۳۱۰، د ۸، ک ۲۶، پ ۴۶] [قاسمی ۱۳۹۰، ۲۵۴] [شکوائیه تلگرافی شکرالله صدیق به مجلس شورای ملی درباره تصرف خانه شخصی‌اش توسط ارتش. سال ۱۳۲۳، د ۱۴، ک ۴۰، پ ۹۶؛ شکایت شکرالله صدیق پیرامون تصرف خانه‌اش توسط ارتش به مجلس شورای ملی. سال ۱۳۲۳، د ۱۴، ک ۴۰، پ ۲۵] [قاسمی ۱۳۹۰، ۲۹۷].

نخست شکایت نوری عطار خرم‌آبادی: «مدت دو سال است که نایب اسکندر خان قسمت مسلسل فوج گارد سپه بدون اختیار و رضایت در حیاط بنده مسکون شده و اساساً بنده را از حیاط خود بیرون کرده است... در خرم‌آباد مندرج است که از فقر استیصال پریشانی پول فرعی کرده این حیاط را دایر نموده برای رفاهیت سکونت خود. سزاوار نیست چنین ظلمی به یک نفر رعیت بنمایند. مدتی است که نایب مذکور از لجاجت دیگران را آورده در حیاط فدوی جوار خود مسکون نموده و عمداً به ضرب شکستن چوب تمام جدار دیوار حیاط را مخروبه نموده. در این مدت با مشت عیالات از عدم سکونت ویلان هستیم».

دوم شکوائیه تلگرافی شکرالله صدیق: «... مدت پنج سال است سرکار سرهنگ امینی بدون مجوز قانونی و به‌زور محل مسکونی بنده را تصرف نموده و حتی معادل مالیاتی که دارایی سالیانه از بنده می‌گیرد، اجاره نمی‌دهد...».

پاسخ وزارت جنگ به شکوائیه «... اغلب افسران لشکر در یک یا دو اتاق کرایه در خرم‌آباد سکونت دارند که آن‌هم مالکین خانه‌های مزبور همه‌روزه متشبه به انواع لطایف‌الحیل برای بیرون کردن آن‌ها می‌باشند و فقط چند نفر از افسران لشکر خانه مستقلی اجاره کرده‌اند که مالکین خانه‌های مذکور در اصل اضافه کردن کرایه‌خانه مایلند افسران را از خانه‌های استیجاری خود خارج کنند. من جمله شخص شکرالله صدیق که دارای چندین دستگاه عمارت می‌باشد.» پاسخ مجلس به شکایت مطرح‌شده: پاسخ وزارت جنگ به شاکای ابلاغ شود. ضمناً به وزارت جنگ تذکر داده شود که داشتن چندین خانه ایجاب نمی‌نماید که با اشخاص خلاف قوانین جاریه مملکتی رفتار شود. لذا لازم است اقدامات مؤثری در این موارد به عمل آید.

شکایت دوم [شکرالله صدیق] «برعکس آنچه وزارت جنگ مرقوم فرموده‌اند عمارت و ساختمان‌های خرم‌آباد برای جمعیت شهر کافی نیست و عموم اهالی بومی این

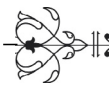




جدول ۹. حوزه‌های اشتراک و افتراق پژوهش‌های انجام‌شده با پژوهش حاضر (مأخذ: نگارندگان)

| موضوعات مورد پژوهش | نتایج پژوهش |
|---|--|
| پژوهش‌های پیرامون فضای آشیخ‌خانه در دوران معاصر | کامی شیرازی و دیگران (۱۳۹۷): تأثیر سبک زندگی در سازمان فضایی معماری مسکونی در ایران: آشیخ‌خانه سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ ه.ش - تساوی زن و مرد به‌ویژه در طبقات متوسط و مرفه اجتماع به دلیل شاخص‌های مربوط به جنسیت در این دوره و حذف تدریجی فضاهای اندرونی و بیرونی - حذف آشیخ‌خانه از گوشه حیاط و زیرزمین. - انتقال آشیخ‌خانه به داخل خانه به‌عنوان یک عرصه مشترک در ارتباط با سایر فضاها. |
| آزاد ارمکی (۱۳۹۲): آپارتمان‌نشینی و آشیخ‌خانه در ایران | دگرگونی معماری آشیخ‌خانه ایرانی متأثر از فرآیندهای جهانی شدن بود و از عوامل ترغیب‌کننده آشیخ‌خانه این، مد بودن دلیل بر زیبایی آن و روشنایی بهتر و امکان ارتباط بهتر با خانواده و چالش‌برانگیز بودن این آشیخ‌خانه برای برخی از زنان و لزوم در نظر گرفتن نیازهای آنان در طراحی. |
| اشتراک و افتراق پژوهش‌های انجام‌شده با پژوهش حاضر: تشابه: هر سه پژوهش تأثیرات مدرنیته بر فضای پخت‌وپز را بررسی کرده‌اند. افتراق: در دو پژوهش پیشین تفاسیر زنان تهرانی از آپارتمان‌نشینی و آشیخ‌خانه در ایران مورد بررسی قرار گرفته در حالی که در پژوهش حاضر با تمرکز بر قومیت و اجتماعی غیر از بایتخت که دارای ویژگی‌های قومیتی و فرهنگی و اجتماعی خاص خود است، فضای مطبخ و سایر فضاهای پخت‌وپز در خانه‌های تاریخی دارای ویژگی‌های معماری قاجار، قاجار-پهلوی اول و پهلوی اول و همچنین تأثیرات مدرنیته و سیاست‌های تجدیدطلبانه پهلوی اول بر دگرگونی ماهیت این فضاها بررسی شده است. در دو پژوهش پیشین بر طبقات متوسط و مرفه اجتماع تمرکز داشته‌اند؛ درحالی‌که در پژوهش پیش رو به مصاحبه با زنان و مردان جامعه پرداخته که متعلق به اقشار مختلف جامعه بوده‌اند. | |
| ناری قمی (۱۳۹۳): آشیخ‌خانه مدرن و مفهوم اجتماعی فرهنگی آن در زندگی خانوادگی قشر مذهبی ایران: نمونه موردی شهر قم. | - در نظر گرفتن سه گستره معنایی برای توضیح مفاهیم فرهنگی اجتماعی آشیخ‌خانه در زندگی زنان مسلمان ایران. - از فضای شخصی با محرمیت ویژه (برای زنان) تا یک فضای خانوادگی. - از یک فضای خدماتی تا یک فضای سرشار از روح زندگی. - از یک مکان مقدس تا مکانی عادی که دارای تداعیات خاص خود در زندگی زنان مسلمان ایرانی. |
| اشتراک و افتراق پژوهش‌های انجام‌شده با پژوهش حاضر: تشابه: هر دو پژوهش به ماهیت و تأثیرات مدرنیته بر فضای پخت‌وپز در جامعه‌های خاص پرداخته‌اند. افتراق: در پژوهش پیشین جنبه‌های گوناگون مفاهیم فرهنگی آشیخ‌خانه در زندگی معاصر در قیاس با سبک زندگی پیشین در شهر قم در میان ساکنان خانه‌های ویلایی و آپارتمانی و مورد بررسی قرار گرفته است. در حالی که در پژوهش حاضر فضاهای پخت‌وپز را در جامعه‌های خود در خانه‌های تاریخی قاجار و پهلوی اول مورد پژوهش سکونت نموده‌اند مورد بررسی قرار داده است و نیز از نظر بازه زمانی خانه‌های مورد بررسی و مصاحبه‌شوندگان با پژوهش پیشین دارای تفاوت است. پژوهش پیشین بر قشر مذهبی قم تمرکز داشته در حالی که پژوهش پیش رو به مصاحبه با زنان و مردان جامعه پرداخته که متعلق به اقشار مختلف جامعه بوده‌اند. بازتاب خصوصیات فرهنگی بر مطبخ | |
| محمدزاده و دیگران (۱۴۰۰): تأثیرات خصوصیات فرهنگی بر چگونگی استقرار مطبخ در خانه‌های قاجاری خرم‌آباد و اردبیل | در خانه‌های مورد مطالعه اردبیل: دور بودن زنان از دید نامحرمان به علت شرایط اجتماعی. - قرار داشتن اغلب مطبخ‌ها در زیرزمین و اینکه زنان از آن‌جا می‌توانستند فضای بیرون یعنی حیاط را ببینند، متوجه آمدن و حضور میهمانان شوند و درعین‌حال کسی از حیاط به آن‌ها دید نداشت. - در خانه‌های مورد مطالعه خرم‌آباد: واقع شدن مطبخ در کنار حیاط و دور از دید نبودن مطبخ. |
| اشتراک و افتراق پژوهش‌های انجام‌شده با پژوهش حاضر: تشابه: در بخشی از هر دو پژوهش به برخی از خانه‌های تاریخی خرم‌آباد و فضای مطبخ پرداخته شده است. افتراق: در پژوهش حاضر در راستای این که بتوان پژوهش را با ساختار نخستین خانه‌ها مورد بررسی قرار داد، اسناد معماری ۱۴ خانه با بررسی منابع تاریخی و پژوهش‌های میدانی تهیه و بخش‌های تخریب‌شده ترسیم‌شده در حالی که پژوهش پیشین پیرامون ۶ خانه قاجاری خرم‌آباد بر اساس اسناد وضعیت موجود خانه‌ها انجام شده. در پژوهش پیشین مطبخ با توجه به تأثیرات خصوصیات فرهنگی در خانه‌های دوره قاجار بررسی شده در حالی که در پژوهش پیش رو تمام فضاهای پخت‌وپز و نیز روند دگرگونی‌های ماهیت این فضاها در خانه‌های قاجار، قاجار-پهلوی اول و پهلوی اول با محوریت سیاست‌های تجدیدطلبانه رضاشاه و دوران گذار مدرنیته در خرم‌آباد مورد واکاوی قرار گرفته‌اند. | |
| زنان و مدرنیزاسیون در لرستان | بابایی (۱۳۹۸): تغییر نقش اجتماعی و اقتصادی - تغییر نقش‌های زنان در استان لرستان. - منزلت و اقتدار بالاتر زنان در جامعه سنتی لرستان نسبت به وضعیت فعلی. - افزایش تحصیلات و مشارکت اقتصادی زنان در حال حاضر عامل پیشرفت منزلت و اقتدار زنان. |
| یوسفوند و دیگران (۱۳۹۷): فهم معنایی زن از مدرنیزاسیون در جامعه محلی لرستان | الگوی نوسازی نامتعادل و آلاک‌کنندگی فرآیند مدرنیزاسیون در جامعه مورد پژوهش و شکست یا بدفراجه‌ای پروژه مدرنیزاسیون در جامعه محلی لرستان. |
| اشتراک و افتراق پژوهش‌های انجام‌شده با پژوهش حاضر: تشابه: در هر سه پژوهش پیرامون زنان در لرستان پرداخته‌اند و تأثیرات مدرنیته را مورد واکاوی قرار داده‌اند. هر سه پژوهش بازخوانی نظریه‌های پیرامون زنان و مدرنیته را مورد بررسی قرار داده‌اند. افتراق: دو پژوهش پیشین پیرامون وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان در دوران معاصر پرداخته‌اند؛ در حالی که در پژوهش حاضر به واکاوی ارتباط متقابل معماری و بُعد انسانی با محوریت زنان در قومیت مورد نظر و بازه زمانی قاجار تا اواخر پهلوی اول پرداخته و خانه‌های تاریخی را از بُعد انسان‌شناسی و اجتماعی با محوریت ماهیت زنانه فضای مطبخ در دوران گذار مدرنیته بررسی نموده، فرصتی برای بازخوانی و صحت‌سنجی فرضیه‌های غیربومی و نقد نظریات فمینیستی پیرامون آشیخ‌خانه و فضای مطبخ در بازه زمانی و مکانی مورد پژوهش خواهد بود. | |





تازگه به صرف غذا می‌پرداختند و برخی مهمان‌ها نیز در این اتاق مورد پذیرایی قرار می‌گرفتند و نوعی آشپزخانه خانوادگی ایجاد می‌شد. وجود فضای خاص برای پخت نان در طاق‌های پیرامون حیاط که مسقف و دارای اشراف به حیاط بود علاوه بر اینکه قلمرو زنانه بود، با اهل خانه در ارتباط بود در پیوستگی با حیاط و ایوان، گستره‌ای نیمه‌خصوصی و تا حدودی جمعی را به وجود می‌آورد. این گستره نیمه‌خصوصی در خانه‌های قاجار در خانه‌های دوره پهلوی حذف شد. تجمع فضاهای متنوع پخت‌وپز خانه‌های قاجار در یک فضای مطبخ؛ تخصصی شدن فضای مطبخ بسته و همچنین افزایش خصوصی شدن فضای مطبخ را به همراه داشت و آغازی بر تفکیک عرصه‌ها بود. در ادامه پژوهش مشخص گردید مهم‌ترین عوامل دگرگونی و تحول ماهیت زنانه فضای مطبخ در دوران گذار مدرنیته در خانه‌های سنتی خرم‌آباد، تحولات ناشی از حکومت رضاشاه بود که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- دگرگون شدن ساختار اجتماعی، قومی و جمعیتی شهر در بدو ورود فرهنگ‌های جدید به شهر، ناشی از ورود قوای رضاشاه به منطقه و سیاست‌های حکومت نوظهور پهلوی.
- تجدد آمرانه.
- تصرف عدوانی خانه‌های شهر توسط ارتش و سازمان‌های حکومتی و چند قسمت نمودن برخی خانه‌ها.
- تصرف و تخریب باغ‌ها، اراضی و زیرساخت‌های شهر

۸. نتیجه‌گیری

آشپزخانه این فضای زنانه در تحلیل‌های نظری معماری غرب از سوی جریان‌های مختلف، به‌عنوان یک عنصر فرع بر «سکونت» و نه عنصری اصلی مورد بی‌اعتنایی و گاه طعن و نقد بوده است؛ به‌طوری‌که نه فقط منحصر به فمینیست‌هاست که آشپزخانه را نمادی از سلطه بر زنان در تاریخ شمرده‌اند. طرح موضوع برابری یا تفاوت جنسیتی از سوی فمینیست‌ها در غرب، ناظر به شرایط تاریخی و اجتماعی آن و مبتنی بر ایدئولوژی‌های موجود در آن سرزمین است. تبدیل و تحول یک پدیده بیرونی و درونی شدن آن در یک جامعه باید بر اساس ویژگی‌های واقعی آن جامعه و نه پیش‌فرض‌های نظری خارجی صورت پذیرد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد دگرگونی‌های به وجود آمده در سرتاسر سرزمین ایران دارای بازتاب‌های یکسان نبوده و عوامل اجتماعی و دیدگاه‌های قومیتی روند دگرگونی‌ها را تحت تأثیر قرار داده‌اند. جوامع مختلف، جایگاه جنسیتی و جنسیت را متنوع و حتی متضاد تعریف می‌کنند که نقش مهمی در تعریف جایگاه و مقام زنان دارد به‌طوری‌که تعبیر اجتماعی از مطبخ در خانه‌های تاریخی خرم‌آباد نمی‌تواند به‌منزله پایین

پس از بررسی‌ها ابتدا چهار نوع فضای پخت‌وپز در خانه‌ها مشخص شد که عبارت‌اند از مطبخ بر دو نوع بسته و نیمه‌باز- تازگه در اتاق‌ها- محل خاص پخت نان در طاق‌های پیرامون حیاط. این فضاها در اغلب خانه‌های افراد بومی در دوره قاجار وجود داشتند که با ورود به پهلوی اول، به‌تدریج از این فضاهای متنوع کاسته شد. مطبخ بسته و نیمه‌باز در هیچ دوره‌ای به معابر دارای راه ارتباطی یا پنجره نبوده و دارای حریمیت نسبت به فضای بیرونی بوده‌اند. در خانه‌های بومی دوره قاجار بسیاری از خانه‌ها با یکدیگر از طریق حیاط، بام و یا مهتابی دارای ارتباط بودند، درحالی‌که در خانه‌های پهلوی اول این ارتباطات حذف شدند. در خانه‌های قاجار تنوع فضاهای پخت‌وپز در کنار متناسب بودن استفاده از آن‌ها با تغییر فصول، استفاده از سایر فضاهای خانه نیز بیشتر بوده و همچنین استفاده زنان از فضاهای باز و نیمه‌باز خانه خود و خانه برخی از همسایه‌ها باعث می‌شد زنان وقت کمتری را در مطبخ بسته سپری کنند و توزیع عملکرد در فضاهای متنوع صورت می‌گرفت. این روند در خانه‌های قاجار- پهلوی اول کاهش یافت و در خانه‌های پهلوی اول به کمترین میزان رسید. برخی صاحب‌نظران فمینیستی معتقدند هیچ تعریفی از مرز خصوصی- عمومی نمی‌تواند ثابت و عام باشد بلکه برای انعکاس بخشیدن به تغییر و تحول اجتماعی مدام در حال تحول خواهند بود. تغییر ماهیت دوگانه عمومی و خصوصی آشپزخانه و تفکیک دقیق عرصه‌ها به همراه تخصصی شدن فضاها در فرآیند ظهور خانواده هسته‌ای در اروپا به وقوع پیوست. جنبش‌های زنانه از همان قرن نوزده و نخست با تکیه بر ساده‌سازی کار زنان در خانه، پیشنهاد آشپزخانه اشتراکی را مطرح کردند. در خانه‌های بومی دوره قاجار مطبخ بسته و باز باوجودی که حریم خصوصی و قلمروی زنانه محسوب می‌شدند و به دلیل ارتباط مستقیم با حیاط و ارتباط با اهل خانه و اشتراکی بودن با برخی همسایه‌ها، فضایی نیمه‌خصوصی و جمعی نیز محسوب می‌شدند. این ویژگی‌ها در خانه‌های پهلوی اول به‌شدت کاهش یافت. آشپزخانه خانوادگی از دیگر الگوها در غرب نه‌تنها در دوره مدرنیسم، بلکه حتی تا دوره حاضر است. حالتی که مشکل بتوان آشپزخانه را یک «قلمرو» زنانه به‌حساب آورد؛ زن همواره در آشپزخانه حاضر است و افراد خانه زمان نسبتاً زیادی از روز را برای نشستن یا خوردن در آنجا حاضرند. وجود تازگه در اتاق نشیمن خانه‌های دوره قاجار علاوه بر گرم کردن اتاق، بخشی از فعالیت‌های پخت‌وپز را به داخل اتاق می‌کشاند. زن خانه برخی از فعالیت‌هایی که می‌توانست در مطبخ انجام دهد را در اتاق انجام می‌داد؛ با سایر افراد خانواده نیز در ارتباط بود و می‌توانست از فرزندان مراقبت کند. اهل خانه در جوار



فضای خصوصی به فضایی نیمه‌خصوصی مبدل شد. علی‌رغم برخی اقدامات عمرانی، بهداشتی و آموزشی، تجدد آمرانه و رهاوردهای مدرنیته حاصل از سیاست‌های رضاشاه در منطقه و جامعه مورد پژوهش موجب خدشه‌دار شدن امنیت خانوادگی و اجتماعی و در نتیجه محبوس شدن بسیاری از زنان قوم لر در خانه و دور شدن آنان از فضای اجتماعی گردید به طوری که خانه‌های ساخته شده در این دوره بخصوص در محله‌های نوساز خانه‌هایی درون‌گرا تر از خانه‌های قاجار، کاهش فضاهای متنوع پخت‌وپز و تجمع آن‌ها در فضای مطبخ که در بسیاری از موارد فضایی کوچک و کم‌عرض و درعین حال عمیق بود، کاهش استفاده زنان از سایر فضاهای خانه، تغییر حریم‌ها و قلمروها گردید. کاهش قلمروهای خانوادگی- اجتماعی و نیز کاهش تعاملات اجتماعی میان زنان همسایه منتج از افزایش ناامنی‌های اجتماعی نوظهور و حضور فرهنگ‌های جدید در شهر و سیاست کشف حجاب از دیگر نتایج مدرنیته و تجدد بود.

بودن شأن زنان در جامعه آن روزگار باشد. وجود فضاهای متنوع پخت‌وپز موجب به وجود آمدن حریم‌ها و قلمروهای خاص بوده است. وجود مطبخ در خانه‌های تاریخی دوره قاجار و ارتباطات آن با سایر فضاهای خانه درعین حال که خلوتی زنانه را خلق نموده بود به علت بالا بودن میزان ارتباط میان همسایه‌ها و استفاده برخی از زنان همسایه از مطبخ، فضایی خانوادگی- اجتماعی نیز بوده است. این ویژگی در هر دو نوع مطبخ باز و بسته وجود داشته لیکن میزان ویژگی فضایی خانوادگی- اجتماعی در مطبخ باز در سطح بالاتر بوده و هنگام استفاده از مطبخ باز میزان ارتباط با اهل خانه بیشتر بوده است. وجود تزیینات در برخی اتاق‌ها بخصوص در اتاق نشیمن در دوره قاجار موجب خلق فضایی بود که نمی‌توان آن را یک قلمرو زنانه محسوب نمود. به بیان دیگر وجود تزیینات در اتاق نشیمن موجب افزایش روابط خانوادگی بود و نوعی آسپزخانه خانوادگی را به وجود آورد. وجود فضای خاص در حیاط خانه جهت پخت نان موجب ایجاد نوعی دیگر از قلمرو بوده است. این فضا با توجه به اشتراکی بودن میان زنان خانه و برخی زنان همسایه به نوعی از

پی‌نوشت

و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی؛ امیراحمدی، احمد. ۱۳۷۳. اسناد نخستین سپهبد ایران. گردآوری شده توسط سیروس سعدوندیان، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی؛ قاسمی، فرید. ۱۳۹۰. اسناد خرم‌آباد: عریضه‌ها، انتخابات، گوناگون. تهران: نشر مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.].
۹. قاسمی ۱۳۹۰، ۵۸-۲۵۴-۲۹۷-۳۰۱-۳۰۷-۳۰۸.
۱۰. قاسمی ۱۳۹۰-۲۴۴-۲۵۷-۲۵۴-۲۶۴-۲۶۵-۲۶۷-۲۶۸-۲۷۰-۲۷۳-۲۷۷-۳۲۷-۳۳۱.

۱. Charles M. Hudson (۱۹۳۲-۲۰۱۳)
۲. Blumberg, Rae Lesser (۱۹۴۰-)
۳. Ann Oakley (۱۹۴۴-)
۴. Sandra Lipsitz Bem (۱۹۴۴-۲۰۱۴)
۵. Ruth Lister (۱۹۴۹-)
۶. Daphne Spain (۱۹۴۹-)
۷. Doreen Massey (۱۹۴۴-۲۰۱۶)
۸. ن. ک. [پهلوی، رضا. ۱۳۰۳. سفرنامه خوزستان. تهران: مرکز پژوهش

منابع

۱. ابراهیمی، سمیه، و سید غلامرضا اسلامی. ۱۳۸۹. معماری و شهرسازی ایران در دوران گذار. هویت شهر ۴ (۶): ۳-۱۴.
۲. ادموندز، سیسیل جان، بارون دوبد، و ولادیمیر مینورسکی. ۱۳۶۲. سفرنامه درباره لرستان، همراه با رساله لرستان و لرها. ترجمه سکندر امان‌الهی بهاروند و لیلی بختیار. تهران: بابک.
۳. استارک، فریا. ۱۳۶۴. سفری به دیار الموت، لرستان، و ایلام. ترجمه‌ی علی محمد ساکی. تهران: علمی.
۴. امیراحمدی، احمد. ۱۳۷۳. خاطرات نخستین سپهبد ایران. به کوشش غلامحسین زرگری نژاد. تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
۵. آزاد ارملی، مرضیه. ۱۳۹۲. آپارتمان‌نشینی و آسپزخانه در ایران. مطالعات فرهنگی و ارتباطات ۹ (۳۱): ۶۳-۷۶.
۶. بابایی، محبوبه. ۱۳۹۸. تغییر نقش اجتماعی و اقتصادی زنان در استان لرستان معاصر. مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی ۲ (۱): ۹۵-۱۰۱.
۷. بهار، محمدتقی ملک‌الشعرا. ۱۳۸۷. تاریخ مختصر احزاب سیاسی در ایران: انقراض قاجاریه، جلد اول. تهران: زوار.
۸. بهنام، جمشید. ۱۳۸۳. ایرانیان و اندیشه تجدد. تهران: فرزانه روز.
۹. حائری، محمدرضا. ۱۳۸۸. خانه، فرهنگ، طبیعت. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.



۱۰. دیگر، ژان پیر. ۱۳۸۳. پوشاک در ایران زمین، مقالات دانشنامه ایرانیکا: پوشاک بختیاری ها و سایر اقوام لر زبان، جلد ۱. ترجمه‌ی پیمان متین. تهران: امیرکبیر.
۱۱. رئیسی، محمد منان. ۱۳۹۷. معماری و شهرسازی مطابق با سبک زندگی اسلامی. قم: نشر دانشگاه قم.
۱۲. راپاپورت، آموس. ۱۳۹۸. انسان‌شناسی مسکن. ترجمه‌ی خسرو افضلیان. تهران: کتابکده کسری.
۱۳. رایس، کلارا کولیور. ۱۳۸۳. زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان. ترجمه اسدالله آزاد. تهران: کتابدار وابسته به شرکت خدمات اطلاع‌رسانی کتابدار فرزانه.
۱۴. شهسواری، ثریا، و سعید نجار. ۱۳۹۳. بررسی تأثیر سیاست‌های نوسازی رضاشاه بر ایلات و عشایر لرستان. پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران ۳ (۳): ۵۲-۶۶.
۱۵. عینی‌فر، علیرضا. ۱۳۸۲. الگویی برای تحلیل انعطاف‌پذیری در مسکن سنتی ایران. هنرهای زیبا (۱۳): ۶۴-۷۷.
۱۶. قاسمی، فرید. ۱۳۹۰. اسناد خرم‌آباد: عریضه‌ها، انتخابات، گوناگون. تهران: نشر مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۷. کاتوزیان، محمدعلی. ۱۳۹۴. اقتصاد سیاسی ایران، از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی. ترجمه‌ی نفیسی و دیگران. چاپ بیستم. تهران: مرکز.
۱۸. کامی شیرازی، سیده مهسا، حسین سلطان‌زاده، و فرح حبیب. ۱۳۹۷. تأثیر سبک زندگی در سازمان فضایی معماری مسکونی در ایران نمونه مورد مطالعه: آشپزخانه حداقل سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ ه. ش. پژوهش‌نامه زنان ۹ (۲): ۳۳-۷۰.
۱۹. کرزن، جرج، ۱۳۷۳. ایران و قضیه ایران، جلد ۲. ترجمه‌ی غلامعلی وحید مازندرانی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۰. کوزو، لوئیس، و برنارد روزنبرگ. ۱۳۸۵. نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی. ترجمه‌ی فرهنگ ارشاد. چاپ سوم. تهران: نی.
۲۱. محمدزاده، سودابه، حسین سلطان‌زاده، و امیر مسعود دباغ. ۱۴۰۰. تأثیرات خصوصیات فرهنگی بر چگونگی استقرار مطبخ در خانه‌های قاجاری خرم‌آباد و اردبیل. مطالعات هنر اسلامی (۱۸): ۴۴: ۴۴۵-۴۶۱.
۲۲. مدنی‌پور، علی. ۱۳۸۷. فضاهای عمومی و خصوصی شهر. ترجمه‌ی فرشاد نوریان. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۲۳. ناری قمی، مسعود. ۱۳۹۳. آشپزخانه مدرن و مفهوم اجتماعی فرهنگی آن در زندگی خانوادگی قشر مذهبی ایران: نمونه موردی شهر قم. جامعه‌پژوهی فرهنگی ۵ (۳): ۱۳۳-۱۵۷.
۲۴. ناری قمی، مسعود. ۱۳۹۴. نقدی بر پژوهش‌های تفسیری تاریخی در خصوص معماری معاصر ایران، نمونه موردی: معماری دوره پهلوی اول. مطالعات معماری ایران ۴ (۷): ۹۳-۱۱۰.
۲۵. ناری قمی، مسعود، و محمدجواد عباس‌زاده. ۱۳۹۵. مکانمندی ذهنیت فرزندان از نقش پدری در خانه بین خانواده‌های تبریزی. هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی ۲۱ (۱): ۵۵-۶۶.
۲۶. نبوی، سید عبدالامیر. ۱۳۸۹. جامعه در حال گذار، بازبینی یک مفهوم ضرورت تحلیل مفهوم دوران گذار با رویکردی میان‌رشته‌ای. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی ۳ (۱): ۱۹۳-۲۱۳.
۲۷. والی‌زاده معجزی، محمدرضا. ۱۳۸۰. تاریخ لرستان روزگار قاجار از تأسیس تا کودتای ۱۹۲۱. تهران: حروفیه.
۲۸. هابراکن، بوک‌هولت. ۱۳۶۷. گونه‌گونی‌ها در خانه‌سازی. ترجمه: گل آرا فریدیان، ناصر یزدخواستی. شیراز. مرکز نشر دانشگاه شیراز.
۲۹. هارلی، جیمز فرانسیس. ایران در جنگ جهانی اول. آرشیو کتابخانه ملی استرالیا <https://www.nla.gov.au/using-library/getting-started/ask-librarian>
۳۰. یوسفوند، سامان، علی انتظار، و زینب مرادی‌نژاد. ۱۳۹۷. فهم معنایی زنان از مدرنیزاسیون در جامعه محلی، مورد مطالعه: استان لرستان. راهبرد اجتماعی فرهنگی ۷ (۳): ۲۸۵-۳۱۷.
۳۱. <https://www.iichs.ir/> / تارنمای پژوهشکده تاریخ معاصر ایران.

References

1. Amirahmadi, Ahmad. 1994. *Memories of the First Lieutenant General of Iran*. Edited by Gholamreza Zargarinejad. Tehran: Research and Cultural Studies Institute.
2. Azad Armaki, Marziyeh. 2013. Urbanization and the Kitchen in Iran. *Cultural Studies and Communication* 9(31): 63-76.
3. Babaei, Mahbube. 2019. Changing the Social and Economic Role of Women in Contemporary Lorestan Province. *Applied Studies in Social Sciences and Sociology* 2 (1): 95-101.



4. Bahar, Mohammad Taghi Malek al-Shoaraye Bahar. 2008. *Brief History of Political Parties, Extinction of Qajar, The First Volume*. Tehran: Zovar.
5. Beatriz Colomina, and Jennifer Bloomer. 1997. *Sexuality & Space (Princeton Papers on Architecture)*. New York: Princeton Architectural Press in New York.
6. Behnam, Jamshid. 2004. *Iranians and the Thought of Modernity*. Tehran: Farzan-e Rooz.
7. Bem, S. L. 1981. Gender Schema Theory: A Cognitive Account of Sex- Typing. *Psychological Review* (88): 354-364.
8. Blumberg, R. L. 2008. Gender Bias: A Hidden Obstacle on the Road to Gender Equality in Education. UNESCO. Beauvoir, S. 1972. *The Second Sex*. London: Pan Books LTD.
9. Curzon, George Nathaniel Curzon. 1994. *Persia and the Persian Question, Volume 2*. Translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani. 4th Edition. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
10. Cuzo, Lewis, and Bernard Rosenberg. 2006. *Fundamental Sociological Theories*. Translated by Farhang Ershad. Third Edition. Tehran: Ney.
11. Darke, J. 1994. Women and the Meaning of Home. In *Housing Women*. Edited by R. Gilroy and R. Woods. London: Routledge.
12. Digard, Jean Pierre. 2004. *Clothes in Iran Land; from the Series of Articles in Iranica Encyclopedia: Clothing of the Bakhtiaris and Other Ethnic Groups of the Language, Vol. 1*. Translated by Peyman Matin. Tehran: Amirkabir.
13. Douglas, B., and D. Di Rosa. 2020. Ethnohistory and Historical Ethnography. Chapter in *Oxford Bibliography in Anthropology Online*. Edited by John Jackson. Oxford University Presz.
14. Ebrahimi, Somayeh and Seyed Gholamreza Eslami. 2010. Iranian Urbanism And Architecture During Transmission Period. *Hoviateshahr* 4(6): 3-15.
15. Edmonds, Cecil John. 1845. *Lur, Luristan, Notes on Luristan and Travles in Luristan and Arabistan*. Translated by Sekander Amanullahei Baharvand and Laili Bakhtiar. Tehran. Babak.
16. Einifar, Alireza. 2003. *A Model for Analyzing Flexibility in Traditional Iranian Housing. Honar-ha-ye-Ziba* (13): 64-77.
17. Franck, Karen A. 1994. Questioning the American Dream: Recent Housing Innovations in the United States. In *Housing Women*. Edited by R. Gilroy and R. Woods. London: Routledge.
18. Freeman, J. 2004. *The Making of the Modern Kitchen: A Cultural History*. New York: Berg.
19. Ghasemi, Fareid. 2017. *Khorramabad Documents: Petitions, Elections, Various*. Tehran: Publication of Islamic Parliament Documents Center.
20. Haberken, B. 1988. Varieties in House Building. Translated by: Golar Faridian, Naser Yazdkhašti. Shiraz. Shiraz University Publishing Center.
21. Haeri, M. R. 2009. *House, Culture, Nature*. Tehran: Urban Planning and Architecture Study and Research Center.
22. Heynen H. 2005. Modernity and Domesticity: Tensions and Contradictions. In *Negotiating Domesticity: Spatial Productions of Gender in Modern Architecture*. Edited by H. Heynen and G. Baydar, Routledge, UK.
23. Hollows, J. 2008. *Domestic Cultures*. England: Open University Press, McGraw-Hill Education.
24. Hurley, Frank. *Iran in the First World War*. National Library of Australia Archives: <https://www.nla.gov.au/using-library/getting-started/ask-librarian>.
25. Alex, I. 1976. The Modernization of Man. in *Modernization, in Modernization Dynamics of Growth*. Edited by Myron Weiner. New York , voice of America forom series.
26. Kami Shirazi, Seyyedeh Mahsa, Hossein Soltanzadeh, and Farah Habib. 2018. The Impact of Lifestyle on Spatial Organization of Residential Architecture in Iran (Case study: Kitchen between Years 1304-1357 Sh). *Women's Studies* 9(2): 33-70.
27. Katouzian, Mohammad Ali. 2015. *The Political Economy of Iran, from Constitutionalism to the End of the Pahlavi Dynasfy*. Translated by Saeed Nafisi and others. 20th edition. Tehran: Markaz.
28. Lerner, D. 1958. *The Passing of Traditional Society: Modernizing the Middle East*. The Free Press, Glencoe.
29. Lindsey, L. 2010. *The Sociology of Gender: Theoretical Perspectives and Feminist Frameworks*. Pearson Prentice Hall.
30. Madanipour, Ali. 2008. *Public and Private Spaces of the City*. Translated by Farshad Noorian. Tehran: Urban Planning and Processing Company.





31. Massey, D. 1994. *Space, Place, and Gender*. Edited by NED- New edition. Minnesota: University of Minnesota Press.
32. Massey, D. 2009. Concepts of Space and Power in Theory and in Political Practice. *Documents D'analyse Géographique* (55): 15-26.
33. Mohammad Zadeh, Soudabeh, Hossein Soltan Zadeh, and Amirmasoud Dabagh. 1999. The Outcome of Cultural Characteristics on Establishing Kitchens in the Qajar Houses of the Cities of Khorramabad and Ardabil. *Islamic Art* 18(44): 445-461.
34. Nabavi, Saied Abdolamir. 2010. Society in Transition: Re-defining the Conception in an Interdisciplinary View. *Interdisciplinary Studies in the Humanities* 3(1): 193-213.
35. Nari Ghomi, Masoud. 2014. Modern Kitchen and Its Socio-cultural Concept in the Family Life of Iranian Religious Families: A Case Study of the City of Qom. *Sociological Cultural Cities* 5 (3): 133- 157.
36. Nari Ghomi, Masoud, and Mohammad Javad Abbaszadeh. 2016. An Enquiry of Spatiality of Image of Father at Home Among the Families in Tabriz. *Fine Arts- Architecture and Urban Planning* 21 (1): 55-66.
37. Nari Ghomi, Masoud. 2022. A Critical Survey of Historical Studies about Architecture of Pahlavi Era. *Journal of Iranian Architecture Studies* 4 (7): 93-110.
38. Oakley, A. 2005. *Gender, Women and Social Science*. Policy Press.
39. Parsons, T. 1966. *Societies: Evolutionary and Comparative Perspectives*. Englewood wood Cliffs: Prentice Hall.
40. Raeesi, Mohammad Manan. 2018. *Architecture and Urban Planning in Accordance with the Islamic Lifestyle*. Qom: Qom University Press.
41. Rapoport, Amos. 2018. *Housing Anthropology*. Translated by Khosro Afzalian. Tehran: Kasari Library Publishing.
42. Rice, Clara Colliver. 2004. *Persian Women*. Translated by Asadollah Azad. Tehran. Ketabdar.
43. Shahsavari, Soraya, and Saeid Najjar. 2014. Effect of Reza Shah's Modernization Policies on Nomadic Tribes of Lorestan. *Iran Local History* 3 (3): 52-66.
44. Smelser, Neil J. 1959. *Social Change in the Industrial Revolution*, London. Routledge & Kegan Paul.
45. Snodgrass, Mary E. 2004. *Encyclopedia of Kitchen History*. New York: Taylor & Francis Books, Inc.
46. Spain, Daphne. 2008. The Importance of Urban Gendered Spaces For The Public Realm. In *Urbanism and Gender, A Necessary Vision For All*. Diputació de Barcelona, pp. 31-39.
47. Stark, Freya. 1985. *The Valleys of the Assassins and other Persian Travels: A Trip to Diyar Alamut, Lorestan and Ilam*. Translated by Ali Mohammad Saki. Tehran. Elmi.
48. Teige, Karel. 2002. *The Minimum Dwelling*. [Originally published as Nejmens'í byt by Václav Petr, Prague, 1932]. Translated and Introduced by Eric Dluhosch. Massachusetts: The MIT Press Cambridge.
49. Valizadeh Moejezi, Mohammad Reza. 2003. *The History of Lorestan During the Qajar Era from Establishment Until the 1920*. Tehran: Horufeyeh.
50. Yousefvand, Saman, Ali Entezari, and Zeinab Moradi Nezhad. 2018. Women's Semantic Understanding of Modernization in Local Society, Case Study: Lorestan Province. *Socio-Cultural Strategy* y (3): 285-317.
51. <https://www.iichs.ir/>

